

هموارسازی سود^۱

بعضی از عوامل، مدیران شرکتها را در برخورد با مسائل تحریک نموده تا در نتیجه آن سود شرکتها را هموار نمایند. مدیران این شرکتها تلاش می‌کنند از طریق هموارسازی (ساختگی) سود، رشد سودآوری شرکتها تحت مدیریت خود را یکنواخت نشان دهند.

حمیدرضا جوادیان کوتنایی
مدرس دانشگاه آزاد فیروزکوه

غیرمعمول در منحنی که می‌تواند نتیجه شرایط غیرمستمر عملیاتی باشد.

هپورث (Hepworth) مفهوم هموارسازی سود را چنین بیان کرده است: "هموارسازی سود یک عمل عقلانی و منطقی است که مدیران تلاش می‌کنند با به‌کارگیری ابزارهای خاصی در



هموارسازی سود چیست

هموارسازی سود نوعی عمل آگاهانه است که توسط مدیریت و با استفاده از ابزارهای خاصی در حسابداری جهت کاستن از نوسانات در سود انجام می‌گیرد. به گفته لوپولد ای.بی. (Leopold.A.B.)

"هموارسازی سود

حسابداری، سودشان را هموار کنند". موزز (Moses) هموارسازی سود را بدین گونه تعریف نموده است: "تلاش مدیریت برای کاستن از نوسانات سود گزارش شده با سودی عادی یا سود مورد انتظار".

بارنی، رانن و سادن (Barnea, Ronen and Sadan) اظهار می‌دارند: "هموارسازی سود عبارت است از کاستن عمدی از نوسانات سود، که به نظر می‌رسد برای شرکت عادی باشد. مدیران برای کاستن از

جایه‌جایی‌ای که در درآمد و هزینه‌ها انجام می‌گیرد سود یک یا چند دوره مالی تغییر یافته و تعدیل می‌شود. در واقع می‌توان گفت، هموارسازی سود، عمل عالمانه‌ای است که توسط مدیریت انجام می‌پذیرد. در فرهنگ حسابداری کهلر تعریف هموارسازی سود بدین‌گونه ارائه گردیده است "هموارسازی سود عبارت است از هر شیوه طراحی شده به منظور حذف بی‌نظمی داده‌ها، همانند پستی و بلندیهای

بیشتر عملی سفسطه‌آمیز و موزیانه است و بندرت بر اساس دروغهای آشکار انجام می‌گیرد، زیرا هموارسازی سود بیشتر در اثر تعبیر و تفسیر به دست آمده از اصول و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری حاصل می‌گردد. به بیان دیگر هموارسازی سود در محدوده اصول و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری (GAAP) صورت می‌پذیرد".

در هموارسازی سود، به‌واسطه

نوسانات سود (گزارش شده) و افزایش پیش‌بینی درست جریان وجوه نقد آتی توسط سرمایه‌گذاران اقدام به هموارسازی سود می‌نمایند و انتظار می‌رود این عمل (هموارسازی سود) تاثیر مثبتی بر ارزش سهام و عملکرد مدیریت داشته باشد.

هکتور (Hector) اظهار می‌دارد: "هموارسازی سود عملی است که باعث سوءاستفاده در گزارشگری مالی شده، و استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی باید به این امر واقف و آگاه باشند."

مک‌هاگ (Mchugh) هموارسازی سود را نوعی دستکاری در اطلاعات صورتهای مالی می‌داند. ورثی (Worthy) در خصوص هموارسازی چنین اظهار می‌دارد: "عملی است که می‌تواند باعث افشای نادرست اطلاعات مالی گردد. به بیان دیگر اگر هموارسازی سود انجام گیرد، سرمایه‌گذاران اطلاعات صحیح و درستی در خصوص سودآوری به منظور ارزیابی بازده و انحراف پرتفوی نخواهند داشت."

چرا مدیران اقدام به هموارسازی سود می‌نمایند

بعضی از عوامل، مدیران شرکتها را در برخورد با مسائل تحریک نموده تا در نتیجه آن سود شرکتها را هموار نمایند. مدیران این شرکتها تلاش می‌کنند از طریق هموارسازی (ساختگی) سود، رشد سودآوری شرکتها تحت مدیریت خود را یکنواخت نشان دهند. در واقع این عمل مدیران دلیلی برای تداوم فعالیت شرکتها تحت مدیریت‌شان می‌باشد. یکی از این عوامل را می‌توان، انگیزه سودآوری توسط مدیران شرکتها نام برد که مدیریت را به شناسایی درآمد و هزینه بیشتر یا کمتر تحریک می‌نماید. برای مثال مدیریت شرکت لاستیک فایرستون (FireStone) در سال ۱۹۷۰ سعی نمود درآمدهای شرکت را در یک حساب سری پنهان کاری نماید، تا با این عمل بتواند در

سال یا سالهایی که سودآوری شرکت کاهش می‌یابد از آن استفاده کند.

حرفه حسابداری همواره سعی داشته است به اصول و قوانینی دست یابد تا از طریق آن به هموارسازی سود توسط شرکتها پی ببرد. مدیران و کارکنان شرکتها مایل هستند برای هموارسازی سود یک سری از اطلاعات را تغییر داده یا پنهان‌کاری نمایند. از این‌رو شخص تحلیلگر باید با توجه به بینش و آگاهی خود نسبت به آن شرکتها، تقریباً بدانند آن گرایش و تمایلات برای هموارسازی سود در کجا وجود داشته و راهها و ابزارهای هموارسازی سود کدام است. از این جهت شخص تحلیلگر می‌تواند از طریق عملیات حساسی در شرکتها (که می‌پندارد هموارسازی سود در آنها وجود دارد) تا اندازه معقولی خود را در خصوص درست بودن حسابها راضی و خشنود نماید.

بیدلمن (Beidleman) معتقد بود: "مدیران برای انعکاس مداوم جریان سودی که انحراف کمتری یا سود بازار داشته باشد سود را دستکاری و هموار می‌سازند."

لامبرت (Lambert) و **دای (Day)** چنین اظهار می‌دارند: "در آرایش اقتصادی بازار سرمایه، مدیرانی که ریسک‌گریز هستند از وام دادن و وام گرفتن (در بازار سرمایه) خودداری می‌نمایند. از این‌رو با این عمل، مدیران به تدریج انگیزه هموارسازی سود را پیدا می‌کنند."

هپورت اظهار داشت: "این ایده وجود دارد که سودآوری مداوم شرکتی، به بستانکاران و مالکان آن شرکت اطمینان بیشتری نسبت به عملکرد مدیریت می‌دهد."

گوردون (Gordon) دلیل هموارسازی سود توسط مدیریت را چنین بیان می‌کند: "هموارسازی سود دست‌کم باعث می‌شود سهامداران (و مدیریت) سودهای گذشته را برای پیش‌بینی سودهای آینده، ملاک قرار

دهند."

ران و سادن دلیل هموارسازی سود را چنین ابراز می‌دارند: "منطقی است مدیریت برای حداکثر نمودن سازگاری خود، سود را هموار نمایند... گروهی معتقدند مدیران شرکتها به این دلیل سود را هموار می‌کنند تا نوسانات سود (گزارش شده) شرکتها تحت پوشش خود را کمتر نمایند. چون سرمایه‌گذاران برای سهام شرکتها که سودآوری مداوم و یکنواختی دارند پول بیشتری می‌پردازند."

ترومن و تیت من (Trueman and Titman) چنین ابراز می‌دارند: "در آرایش اقتصادی بازار سرمایه، حتی با وجود بستانکاران، مدیران روشهایی را ترجیح می‌دهند که منجر به هموارسازی (مداوم) سود گردد. عمل هموارسازی سود ناشی از ریسک‌گریز بودن مدیر در بازار سرمایه می‌باشد."

تاثیر هموارسازی سود بر سود هر سهم و بازار سهام

تیت‌من بیان می‌کند: "آرایش اقتصادی بازار، تجزیه و تحلیل و تاثیر هموارسازی سود بر قیمت سهام را جایز می‌دارد، آرایش اقتصادی بازار می‌گوید اگر مدیری قادر باشد از بین دو یا چند روش پذیرفته شده در حسابداری روشی را برای شناسایی درآمد (خاصی) انتخاب نماید، احتمالاً آن مدیر روشی را انتخاب می‌کند که سود را به‌طور واقعی هموار کند. اغلب این روش، هموارسازی موقتی نامیده می‌شود. به لحاظ هموارسازی سود، مدیر می‌تواند نوسانات سود را کاهش داده و برآورد احتمال ورشکستگی را از دید مدعیان شرکت کمتر کند. این عمل مدیران برای سهامداران شرکتها به جهت اینکه هزینه فرصت از دست رفته شرکت را کاهش می‌دهد با ارزش بوده و بر معامله بین شرکت و مشتریان، کارکنان و شش

عرضه کنندگان تاثیر می‌گذارد. در صورتی که هموارسازی سود یک عمل پرهزینه باشد، احتمالاً مدیریت سود شرکت را هموار نمی‌کند. برای مثال، اگر هدف از دستکاری نمودن درآمد و هزینه طی یک یا چند دوره مالی، مالیات باشد. چون هموارسازی سود (با هدف شناخت مالیات) برای شرکت پرهزینه تلقی می‌شود از این رو شرکتها سود را هموار نمی‌کنند. ولی اگر هموارسازی سود برای کم کردن هزینه باشد، مدیرانگیزه‌ای برای هموارسازی سود شرکت پیدا می‌کند. داشتن هزینه و منافع مختلف در هموارسازی سود، موجب می‌شود شرکتها پیش‌بینی‌های مختلفی برای هموارکردن سودشان داشته باشند.

هندریکسون (Hendrikson) چنین بیان می‌کند: "هر چند سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان نسبت به سود گزارش شده توسط مدیریت واکنش نشان می‌دهند، و اگرچه سود در چارچوب حسابداری قرار دارد، اما بازخورد رفتار سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان در انتخاب روشهای حسابداری توسط مدیریت تاثیر می‌گذارد. برای مثال، مدیران شرکتهای زیادی بر این باورند که اگر سود خالص شرکت با نرخ ثابتی در هر سال رشد داشته باشد، قیمت هر سهم بالا می‌رود. در نتیجه، مدیران سیاستها و روشهایی را در حسابداری جهت گزارشگری مالی انتخاب می‌کنند که برای سهام آن شرکت تقاضا بیشتر شود. هموارسازی سود در بیشتر اوقات بر این پایه استوار است که سرمایه‌گذاران، پول بیشتر را برای سهام شرکتهایی می‌پردازند که سود گزارش شده آن شرکتها سال به سال نوسان کمتری داشته باشد و شرکتهایی که نوسان سودشان هر ساله زیاد است سهامداران حاضر نمی‌شوند برای سهام آن شرکت پول بیشتری پرداخت کنند."

گوردون بیان کرد: "رضایت سهامداران

با توجه به نرخ رشد (تقریباً ثابت) سود شرکت و تداوم سودآوری شرکت افزایش می‌یابد."

بیدلمن اشاره می‌کند: "تجزیه و تحلیل کنندگان علاقه‌مند هستند اطلاعات بیشتری در خصوص هموارسازی سود در شرکتهایی که سرمایه‌گذاری کرده‌اند داشته باشند. هموارسازی سود می‌تواند به‌طور غیرمستقیم بازار سهام شرکتها را تحت تاثیر قرار داده و این تاثیر باید بر ارزش سهام و هزینه سرمایه مطلوب باشد."

لو و کنتیزکی (Lev and Kunitzky) شرح دادند: "نوسان سود به‌طور موثری هم به ریسک سیستماتیک و هم به ریسک کلی مربوط می‌شود."

موزز توضیح می‌دهد با (به‌کارگیری) هموارسازی سود، رابطه علت و معلولی بین نوسانات سود و ریسک بازار بوجود می‌آید.

ناسوہیا‌آشاری (Nasuhiah Ashari) و همکاران او اظهار می‌دارند: "زمانی که هموارسازی سود به‌طور آگاهانه انجام گیرد، افشای سود می‌تواند گمراه‌کننده باشد. در نتیجه، سرمایه‌گذاران ممکن است اطلاعات صحیح و مناسبی برای ارزیابی بازده و ریسک پرتفوی مربوط به آن به دست نیاورند."

ابزارهای هموارسازی سود کدامند؟
آشاری و همکاران او از ابزارهای هموارسازی سود، به عوامل زیر اشاره می‌کنند:

- ۱- سود هر سهم؛
- ۲- تغییر در خط مشی حسابداری؛
- ۳- هزینه‌های بازنشستگی؛
- ۴- اقلام غیرمترقبه؛
- ۵- بخشودگی مالیاتی سرمایه‌گذاران؛
- ۶- هزینه ثابت و هزینه استهلاک؛
- ۷- تصمیم‌گیری اختیاری (در حسابداری) از بین دو یا چند روش پذیرفته شده در

حسابداری؛

۸- تسعیر ارز؛

۹- انواع طبقه‌بندی در حسابداری؛

۱۰- اندوخته‌ها و ذخایر؛

۱۱- اندازه شرکت؛

۱۲- بخش محوری و جانبی صنعت؛

۱۳- پاداش؛

۱۴- مالکیت.

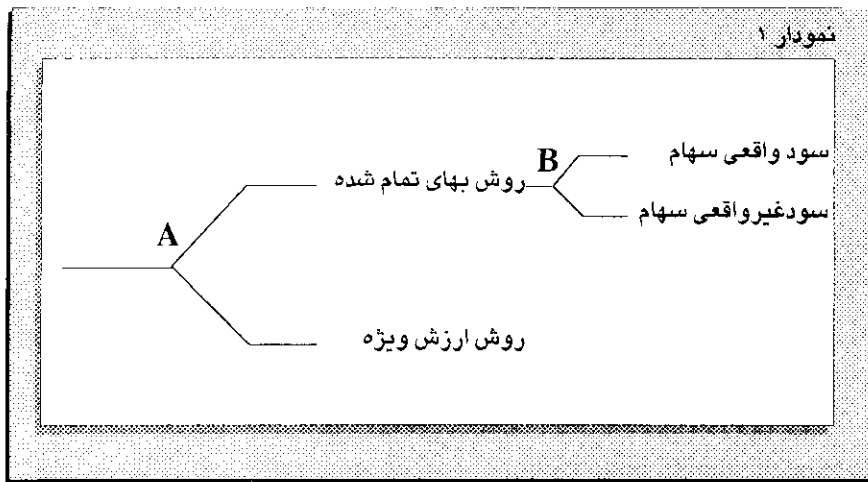
آلبرسشت و ریچاردسون (Albrecht and Richardson) به عوامل زیر به‌عنوان

ابزارهای هموارسازی سود اشاره دارند:

- ۱- روش استهلاک‌گیری؛
- ۲- استهلاک (کم‌آیش) هزینه‌های بازنشستگی؛
- ۳- استهلاک داراییهای نامشهود؛
- ۴- درآمدها و هزینه‌های غیرمترقبه؛
- ۵- بخشودگی مالیاتی سرمایه‌گذاری؛
- ۶- ارزیابی موجودی کالا؛
- ۷- انتخاب خط‌مشی حسابداری؛
- ۸- تلفیق به روش خرید در برابر روش اتحاد منافع؛
- ۹- درآمد (سود) سهام واحد فرعی گزارشگر براساس روش بهای تمام شده واحد تابعه گزارشگر.

هندریکسون بیان می‌کند: "در سال ۱۹۶۳ در پاسخگویی به درخواست کنگره آمریکا از کمیسیون بورس و اوراق بهادار^۳ در خصوص اعلام نمودن ابزارهای مهم هموارسازی سود، این کمیسیون موارد زیر را بیان کرد:

- ۱- ارزیابی موجودی کالا (اولین صادره از اولین وارده^۴ در برابر اولین صادره از آخرین وارده^۵)؛
- ۲- استهلاک منابع طبیعی؛
- ۳- مالیات بر درآمد؛
- ۴- هزینه‌های بازنشستگی؛
- ۵- هزینه‌های تحقیق و توسعه؛
- ۶- سرقتی؛
- ۷- زمان تحقق درآمد؛
- ۸- سود و زیان عملیاتی در برابر سود و زیان



غیر عملیاتی؛

- ۹- سرمایه گذاری تلفیقی در شرکتها؛
- ۱۰- اجاره بلندمدت یا اجاره به شرط تملیک؛
- ۱۱- اصل اتحاد یا ادغام دو یا چند موسسه؛
- ۱۲- تلفیق واحدهای تجاری؛
- ۱۳- اندازه گیری سود در شرکتها و موسسات مالی؛
- ۱۴- هزینه های نامشهود در صنایع نفت و گاز."

انواع هموارسازی سود

دو نوع هموارسازی سود وجود دارد:

هموارسازی طبیعی سود: نوعی هموارسازی است که به طور طبیعی در فرایند سودآوری شرکت انجام می گیرد.

هموارسازی عمدی سود: معمولاً به عملی گفته می شود که توسط مدیریت برای تغییر دادن سود انجام می گیرد و بر دو قسمت است.

هموارسازی واقعی سود به کوششی اطلاق می شود که توسط مدیریت و در واکنش به تغییرات شرایط اقتصادی صورت می گیرد.

هموارسازی ساختگی سود به تلاش سنجیده ای اطلاق می شود که تغییرات سود را به طور ساختگی کاهش یا افزایش دهد.

باید یادآور شد تغییر در سود شرکتها یا از طریق هموارسازی ساختگی سود یا از طریق هموارسازی واقعی سود انجام می گیرد. هورویتز (Horwitz) اظهار می دارد: "هموارسازی واقعی سود می تواند بر جریانات و جوه نقد شرکت هم به طور مستقیم و هم به طور غیرمستقیم تاثیر گذارد. برای تاثیر مستقیم می توان به افزایش تقاضا برای یک محصول و به تبع آن افزایش فروش و متقابلاً افزایش سود اشاره نمود، اما برای تاثیر غیرمستقیم می توان به انتخاب یک روش از بین دو یا چند رویه مختلف پذیرفته شده در حسابداری و طبقه بندی درآمدها و هزینه ها اشاره کرد."

روشهای مختلف هموارسازی سود

الف - آرایش اقتصادی موسسه

در خصوص آرایش اقتصادی موسسه چنین اظهار می شود، فرض کنید سود اقتصادی موسسه در هر دوره قبل از کسر بهره یا هزینه ورشکستگی (در حالت توقف) به شرح زیر باشد:

$$\tilde{x}_t = \mu + \tilde{e}_t$$

μ : میانگین تمام نمونه ها.

\tilde{e}_t : توزیع نرمال با میانگین صفر که در بیشتر زمان ثابت است.

مدیریت می تواند سود موسسه را برای هر دوره تشخیص داده و از این جهت میزان آگاهی دیگران نسبت به سود موسسه به میزان سود گزارش شده توسط مدیریت بستگی دارد. مدیریت با به کارگیری ابزارهای خاص در حسابداری قادر به دستکاری کردن سود بین دو یا چند دوره بوده، در آن صورت سود (اقتصادی) موسسه برابر سود اعلام شده براساس صورت سود و زیان نخواهد بود (البته دستکاری و جابه جایی سود را می توان به بیش از دو دوره نیز گسترش داد بدون اینکه نتیجه مدل تغییر یابد). برای مثال، از چنین جابه جایی و دستکاری می توان به برآورد هزینه های بازنشستگی، برآورد عمر مفید داراییها و کاهش ارزش دفتری مطالبات مشکوک الوصول اشاره کرد. اگر مدیریت

موسسه ای سود بین دو دوره را دستکاری نماید در آن صورت، سود گزارش شده در هر دوره برابر سود اقتصادی همان دوره می باشد. البته باید متذکر شد اکثر شرکتها و موسسات می توانند سود را بین دو یا چند دوره دستکاری و جابه جا نمایند ولی ادامه فرایند دستکاری و جابه جایی سود در بین آن شرکتها فرق می کند.

ب - روش کلاسیک

در این روش، هموارسازی سود با توجه به ارتباط بین متغیرهای هموارسازی سود و تاثیر آن بر سود (گزارش شده) مورد بررسی قرار می گیرد. اما متأسفانه، این روش هموارسازی ساختگی سود را بررسی نمی کند. ایکل (Eckle) ایرادهای این روش را به شرح زیر نام می برد:

۱- در این روش، ممکن است مدلی از سود مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد که به اندازه کافی در فرایند سودآوری توضیح داده نشده باشد. از مدل های مورد استفاده می توان به روش برنامه ریزی خطی، سری های زمانی، روند زمانی نیمه لگاریتمی و با کس جنکینز اشاره کرد.

دوم - به کارگیری متغیرها در هموارسازی می تواند بر نتایج حاصل از آن تاثیر گذارد. در ضمن احتمال دارد بعضی از شرکتها برای هموارسازی سود از یک یا چند متغیر استفاده نمایند در حالی که شرکت های دیگر ادامه در صفحه ۶۶

نسبت کفایت سرمایه^۱

این گزارش حاصل کار چندین ساله کمیته‌ای موسوم به کمیته بال به منظور تدوین مقررات نظارتی یکپارچه بین‌المللی حاکم بر کفایت سرمایه بانکهای بین‌المللی می‌باشد.

ترجمه و تالیف منوچهر منوچهری
عضو هیئت علمی دانشگاه



مقدمه

این گزارش حاصل کار چندین ساله کمیته‌ای موسوم به کمیته بال به منظور تدوین مقررات نظارتی یکپارچه بین‌المللی حاکم بر کفایت سرمایه بانکهای بین‌المللی می‌باشد. این کمیته متشکل از نمایندگان بانکهای مرکزی و مقامات نظارتی کشورهای گروه ۱۰، تشکیل شده از ۱۲ کشور (بلژیک، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، هلند، سوئد، سوئیس، انگلستان، آمریکا و لوکزامبورگ) است اما به کشورهای گروه ۱۰ شهرت دارند. هدف این کمیته تدوین محاسبات و استانداردهای یکپارچه بین‌المللی سرمایه

کشورهای عضو مد نظر قرار گیرد. چارچوب و حداقل استانداردهای کفایت سرمایه همچنین به امضای روسای بانکهای مرکزی کشورهای گروه ۱۰ رسیده است.

نسبت کفایت سرمایه

نسبت کفایت سرمایه یکی از شاخصهای ارزیابی عملکرد بانکهاست که از سوی کمیته مقررات بین‌المللی بانک تسویه‌های بین‌المللی، جهت ارزشیابی مدیریت ریسک بانکهای کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۳ تعیین شده است. بر اساس تعاریف مندرج در استاندارد بین‌المللی کمیته بال، نسبت کفایت سرمایه عبارت است از:

$$\text{نسبت کفایت سرمایه} = \frac{\text{سرمایه بانک}}{\text{داراییهای ریسک‌پذیر} + \text{حسابهای انتظامی ریسک‌پذیر}}$$

که حداقل آن ۹ درصد است. هر چه این نسبت بیش از عدد ۹ باشد نشان‌دهنده قدرت مالی و ثبات آن بانک و عدم خطرپذیری داراییهای آن می‌باشد. به نظر می‌رسد که یکی از هدفهای

این مشورتها منجر به تغییر برخی مقررات اولیه شد و گزارش حاضر، حاصل نهایی نظرات این کمیته است که مورد توافق کلیه اعضای گروه ۱۰ قرار گرفته است. این نظرات شامل چارچوب محاسبات کفایت سرمایه و همچنین حداقل استانداردهایی است که باید توسط مقامات نظارتی

بانکهاست و محل تشکیل جلسات آن در بانک تسویه‌های بین‌المللی^۲ واقع در بال سوئیس می‌باشد.

پیشنهادهای اولیه کمیته در دسامبر ۱۹۸۷ جهت دریافت نظرات مشورتی برای کلیه اعضای گروه ۱۰ و همچنین مقامات بانکی در سراسر جهان ارسال گردید. نتیجه

تشکیل دهنده سرمایه درجه ۲، لازم است در مورد ارقام قابل کسر از سرمایه درجه ۱ و کل سرمایه توضیح داده شود:

۱- مبلغ سرقفلی^{۲۱} بانکها باید در محاسبه نسبت کفایت سرمایه از مجموع سرمایه درجه ۱ کسر شود؛

۲- سرمایه گذاری‌ها در بانکهای غیر تلفیقی و شرکتهای مالی فرعی باید از مجموع سرمایه درجه ۱ و ۲ کسر شود، زیرا فرض بر این است که چارجوب مقررات کمیته بال در مورد گروه بانکهای تلفیقی قابل اعمال است؛

۳- سرمایه گذاری‌ها در سرمایه سایر بانکها و موسسات مالی بنا به تشخیص مقامات هر کشوری از مجموع سرمایه قابل کسر می‌باشد.

حالا به بررسی و تشریح اجزای تشکیل دهنده سرمایه درجه ۲ پرداخته می‌شود.

اندوخته‌های مخفی - اندوخته‌های مخفی به‌عنوان یکی از اجزای مکمل سرمایه درجه ۱، به شرطی که مورد پذیرش مقامات نظارتی بانکها باشد، می‌تواند جزو سرمایه درجه ۲ تلقی شود. اندوخته‌های مخفی به‌رغم اینکه در ترازنامه‌های بانکها منعکس نمی‌باشند، اما کیفیت و ویژگی آنها در حد اندوخته‌های افشا شده است. به‌طوری که باید در هر زمان جهت پوشش زیانهای احتمالی آینده در دسترس باشند. این تعریف شامل اندوخته‌های مخفی ناشی از نگهداری اوراق بهادار به نرخ پایینتر از نرخ بازار نمی‌شود.

اندوخته‌های تجدید ارزیابی داراییها - این اندوخته به دو بخش تقسیم می‌شود، اول اینکه در بعضی از کشورها به موجب قوانین بانکی و مالی، بانکها و سایر موسسات بازرگانی مجازند با توجه به رشد قیمتها در بازار، داراییهای ثابت از جمله ساختمانها و مستغلات خود را تجدید ارزیابی کنند، اندوخته ناشی از این تجدید ارزیابی به‌عنوان یکی از اجزای سرمایه درجه ۲ در ترازنامه آنها منعکس می‌شود.

دوم اینکه برخی از بانکها اندوخته مخفی ناشی از تجدید ارزیابی نگهداری اوراق بهادار سرمایه‌ای بلندمدت را هم

به استثنای اندوخته‌های مخفی.

سرمایه قانونی - سرمایه قانونی شامل سهام عادی تمام پرداخت شده بانکها و همچنین سهام ممتاز غیر انباشته دائمی^۷ است. منظور از سهام عادی تمام پرداخت شده سهامی است که دارای حق رای هستند و مبلغ اسمی آنها نیز تماماً پرداخت شده است. خاصیت سهام ممتاز غیر انباشته دائمی این است که این سهام در سود و زیان بانکها مشارکت دارند و ویژگی دیگر آن این است که چنانچه بانک دارای سود باشد، ابتدا سود سهامداران ممتاز غیر انباشته پرداخت می‌شود و سپس سود سهامداران عادی. اما چنانچه بانک زیان داشته باشد، به سهامداران ممتاز غیر انباشته سودی تعلق نمی‌گیرد در صورتی که به سهام ممتاز انباشته چه بانک سود داشته باشد چه زیان، سود مربوط تعلق می‌گیرد و انباشته می‌شود. بنابراین سهام ممتاز انباشته جزو سرمایه درجه ۱ محسوب نمی‌شود.

اندوخته‌های افشاشده - اندوخته‌های افشا شده شامل اندوخته قانونی^۸، اندوخته عمومی^۹، صرف سهام^{۱۰}، سود انباشته^{۱۱} و سهم اقلیت در بانک سرمایه پذیر^{۱۲} در صورتهای مالی تلفیقی می‌باشد و اندوخته‌های مخفی^{۱۳} و اندوخته‌های تجدید ارزیابی داراییها^{۱۴} و سهام ممتاز انباشته^{۱۵} جزو سرمایه درجه ۱ محسوب نمی‌شود.

سرمایه درجه ۲
عناصر سرمایه درجه ۲ از پنج گروه زیر تشکیل می‌شوند:

الف - اندوخته‌های مخفی^{۱۶}؛

ب - اندوخته تجدید ارزیابی داراییها^{۱۷}؛

ج - ذخایر عمومی و ذخایر زیان وامها^{۱۸}؛

د - ابزارهای سرمایه‌ای دو منظوره (بدهی و سرمایه‌ای)^{۱۹}؛

ه - بدیهیهای مشروط (تبعی) بلندمدت^{۲۰}.

ارقام قابل کسر از سرمایه

قبل از پرداختن به تشریح عناصر

تجدید ارزیابی داراییهای بانکها در سال ۱۳۷۱ در ایران، مبتنی بر توصیه کمیته پیشگفته به بانکهای مرکزی کشورهای در حال توسعه به لحاظ بهبود نسبی نسبت کفایت سرمایه بوده است. زیرا تا آن تاریخ این نسبت حتی در بهترین بانکهای ایرانی به دشواری به عدد ۲ می‌رسید. از این رو با این عمل هم ارزش داراییهای بانکها به ارزش روز (قیمتهای جاری) نزدیکتر شد و هم اینکه به وسیله ایجاد اندوخته تجدید ارزیابی داراییها، نسبت کفایت سرمایه نیز بهبود یافت.

با توجه به ملی شدن بانکها در ایران و به عبارتی دیگر عدم رقابت طبیعی بین بانکها این نسبت در ایران در سطح پایینی قرار دارد، این در حالی است که در بسیاری از کشورها جهت دستیابی به نسبت مطلوب کفایت سرمایه از راه‌حلهایی مانند تامین سرمایه بانکها به وسیله انتشار اوراق بهادار سرمایه و بدهی مانند سهام و اوراق قرضه (مشارکت)، کاهش داراییهای مخاطره‌آمیز و سرمایه گذاری در فعالیتهای کم‌ریسک‌تر، کنترل ریسک اعتبارات اعطایی به بخشهای مختلف، فروش داراییهای با ریسک صددردصد و نهایتاً اعمال نظارت قوی‌تر بر عملکرد سیستم بانکی، استفاده می‌شود.

ارقام تشکیل دهنده نسبت کفایت سرمایه عبارت است از:

● سرمایه؛

● داراییهای ریسک پذیر؛

● ارقام زیر ترازنامه (حسابهای انتظامی) ریسک پذیر.

سرمایه

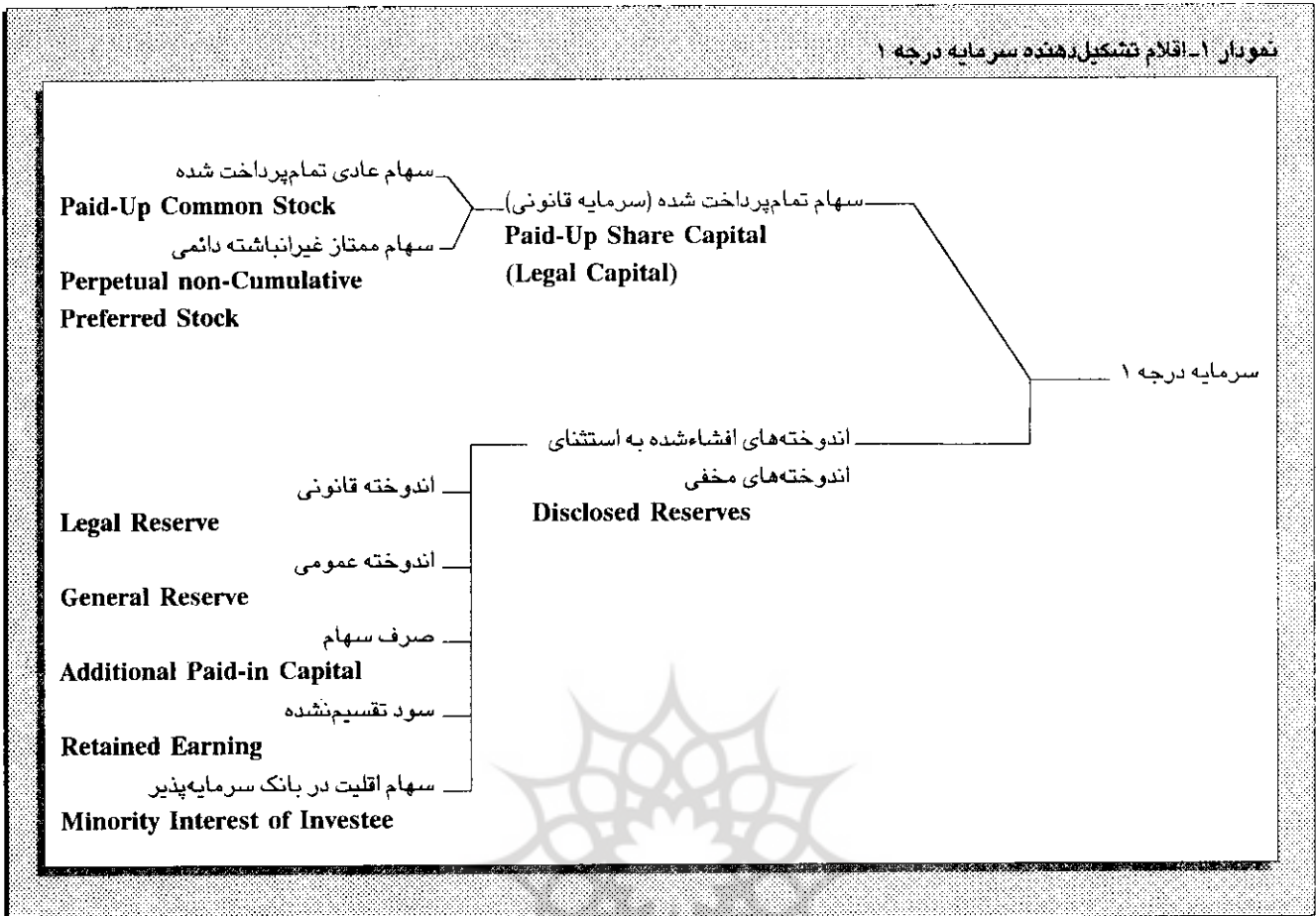
سرمایه خود به دو سرمایه درجه ۱ و سرمایه درجه ۲ تقسیم می‌شود.

سرمایه درجه ۱

سرمایه درجه ۱ خود به دو گروه تقسیم می‌شود:

الف - سرمایه قانونی^۴ یا سهام تمام پرداخت شده^۵؛ و

ب - اندوخته‌های افشا شده^۶ (ارائه شده)



مشروط و تبعی بوده و وجه آن تماماً پرداخت شده باشد؛

● صرفاً با اختیار صادرکننده اوراق بهادار و یا با رضایت قبلی مقامات نظارتی بانک قابل بازخرید باشند به عبارت دیگر قابل بازخرید با اختیار صادرکننده^{۲۵} باشند نه قابل بازخرید با اختیار سهامدار^{۲۶}؛

● بدون آنکه در فعالیتهای تجاری بانک توقفی به وجود آید، در زیانهای حاصل سهمیم باشند. (برخلاف اوراق بهادار بدهی مشروط)؛

● اگرچه ابزارهای سرمایه‌ای که متضمن پرداخت بهره می‌باشند و بهره آن نیز معمولاً کاهش نمی‌یابد (برخلاف سود متعلق به سهامداران معمولی که ممکن است در طول سال مالی بنا به ضرورت پرداخت گردد و یا پرداخت نگردد) ولی گهگاه اتفاق می‌افتد که به علت زیانهای وارد به بانک پرداخت سود یا بهره ابزارهای سرمایه‌ای به سالهای بعد

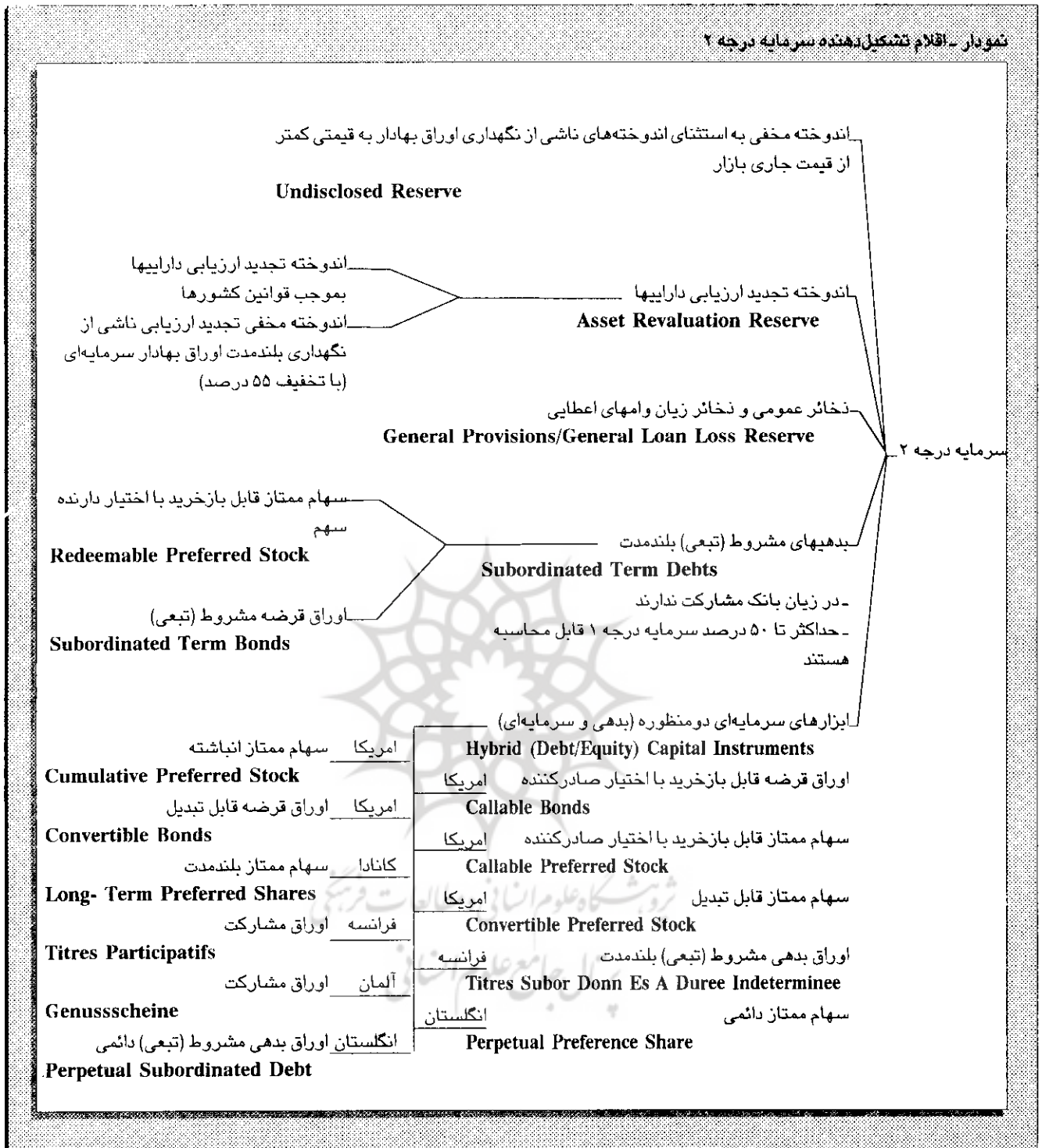
داراییهای خاص و برخی بدهیهای شناخته شده نباید مشمول این ذخیره‌ها باشند.

ابزارهای تامین سرمایه دو منظوره (بدهی و سرمایه‌ای) - ابزار تامین مالی سرمایه‌ای ابزاری است که دارنده آن جزو سهامداران بانک قرار می‌گیرد و به چنین ابزاری اوراق بهادار سرمایه‌ای^{۲۲} گفته می‌شود. ابزار تامین مالی ابزاری است که دارنده آن صرفاً جزو بستانکاران بانک قلمداد می‌شود به چنین ابزاری اوراق بهادار بدهی^{۲۳} گفته می‌شود. ابزار سرمایه‌ای دو منظوره^{۲۴} ابزاری است که ضمن دارا بودن خواص و ویژگیهای اوراق بهادار سرمایه‌ای، ویژگیهای اوراق بهادار بدهی را هم دارا هستند که البته مشخصات آنها ممکن است در هر کشور با کشور دیگر متفاوت باشد، به هر صورت این اوراق بهادار باید دارای شرایط و مشخصات زیر باشند:

● بدون تضمین بوده، جزو اوراق بهادار

به‌عنوان یکی از اجزای سرمایه درجه ۲ تلقی می‌نمایند. با فرض اینکه یک تخفیف ۵۵ درصدی نسبت به این اندوخته در نظر گرفته می‌شود تا پوشش احتمال نوسانات قیمت و مالیات مربوط را در بر بگیرد. به مفهوم دیگر میزان قابل محاسبه اندوخته مخفی ناشی از تجدید ارزیابی نگهداری اوراق بهادار سرمایه‌ای بلندمدت عبارت است از ۴۵ درصد مابه‌التفاوت قیمت بازار سهام و قیمت تمام شده آنها.

ذخایر عمومی و ذخایر زیان وامها - این ذخایر که به منظور جبران کاهش احتمالی داراییها و زیان ناشی از وامها کنار گذاشته می‌شود می‌تواند به‌عنوان یکی از اجزای سرمایه درجه ۲ محسوب شود. به شرطی که حداکثر جمع این ذخایر از ۱/۲۵ درصد داراییهای مربوط و یا در مواقع بخصوص و موقت حداکثر تا ۲ درصد داراییهای قابل قبول باشد. ضمناً ذخایر مربوط به



- منتقل می‌گردد (مانند سهم ممتاز انباشته).
- از جمله ابزارهای سرمایه‌ای دوماظوره
- که در کشورهای مختلف گروه ۱۰ جریان دارند عبارت است از:
- آمریکا
- سهم ممتاز انباشته^{۲۷}؛
- سهم ممتاز قابل بازخرید با اختیار صادرکننده^{۲۸}؛
- اوراق قرضه قابل بازخرید با اختیار صادرکننده^{۲۹}؛
- سهم ممتاز قابل تبدیل^{۳۰}؛
- اوراق قرضه قابل تبدیل^{۳۱}؛
- سهم ممتاز بلندمدت^{۳۲}؛
- اوراق مشارکت^{۳۳}؛
- اوراق بدهی تبعی نامحدود^{۳۴}؛
- آلمان

هزینه یابی بر مبنای فعالیت^۱

محمود عربی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکزی

هاشم سعادت‌مندی

حسابدار و کارشناس زبان انگلیسی

تجدید نظر در سیستم حسابداری خود، از سیستم هزینه یابی بر مبنای فعالیت استفاده کنند.

قبل از اینکه وارد بحث هزینه یابی بر مبنای فعالیت شویم بهتر است با چند اصطلاح در این زمینه آشنا شویم.

الف - فعالیتهای ارزش زا و فعالیتهای غیر ارزش زا

در تجارت و تولید هر عملی که به منظور تولید، توزیع و ارائه خدمات انجام شود و ماهیت تکراری در انجام وظایف فوق داشته باشد فعالیت یا کار نامیده می شود. اگر فعالیتها با دقت مورد توجه قرار گیرند، ملاحظه می شود که فعالیتها یا ارزشزا هستند یا غیر ارزشزا، فعالیت ارزشزا^۲ به آن دسته از فعالیتها اطلاق می شود که به ارزش محصول تولیدی و یا خدمات ارائه شده می افزایند. اما در فعالیتهای غیر ارزشزا^۳ اگرچه زمان برای تولید محصولات و ارائه خدمات صرف می شود، اما به ارزش محصولات و یا خدمات چیزی افزوده نمی شود. در واقع این گونه فعالیتها غیر ضروری هستند. در نتیجه می توان آنها را حذف کرد بدون آنکه تاثیری در ارزش محصولات یا خدمات در بازار بگذارد و یا در کیفیت آن تغییری ایجاد نماید.

ب - کارایی چرخه تولید^۴

اگر زمان واقعی تولید را به کل زمان صرف شده در چرخه تولید تقسیم کنیم، آنچه به دست می آید کارایی چرخه تولید نامیده می شود که به اختصار MCE خوانده می شود (در شرکتهای خدماتی زمان واقعی ارائه خدمات را به کل زمان چرخه انجام

شناخت وجود هزینه در چندین سطح، گردآوری هزینه ها در مراکز مربوط، و استفاده از عوامل چندگانه هزینه زا به منظور تخصیص هزینه ها به تولید و خدمات سه جز اصلی هزینه یابی بر مبنای فعالیت هستند که به اختصار سیستم هزینه یابی ABC نامیده می شود. در این نوع هزینه یابی آنچه در کانون توجه قرار دارد انواع مختلف فعالیتهایی است که در یک واحد تولیدی یا خدماتی انجام می پذیرد. در این روش تسهیم هزینه ها به محصولات تولیدی و یا خدمات ارائه شده بر مبنای فعالیتهایی است که در جهت تولید، اجرا، توزیع و پشتیبانی انجام می گیرد. هزینه یابی بر مبنای فعالیت در شرکتهایی مناسب است که دارای ویژگیهای زیر باشند:

الف - شرکتهایی که دارای تولیدات گوناگون و بسیار متنوع و یا ارائه دهنده خدمات مختلفی باشند.

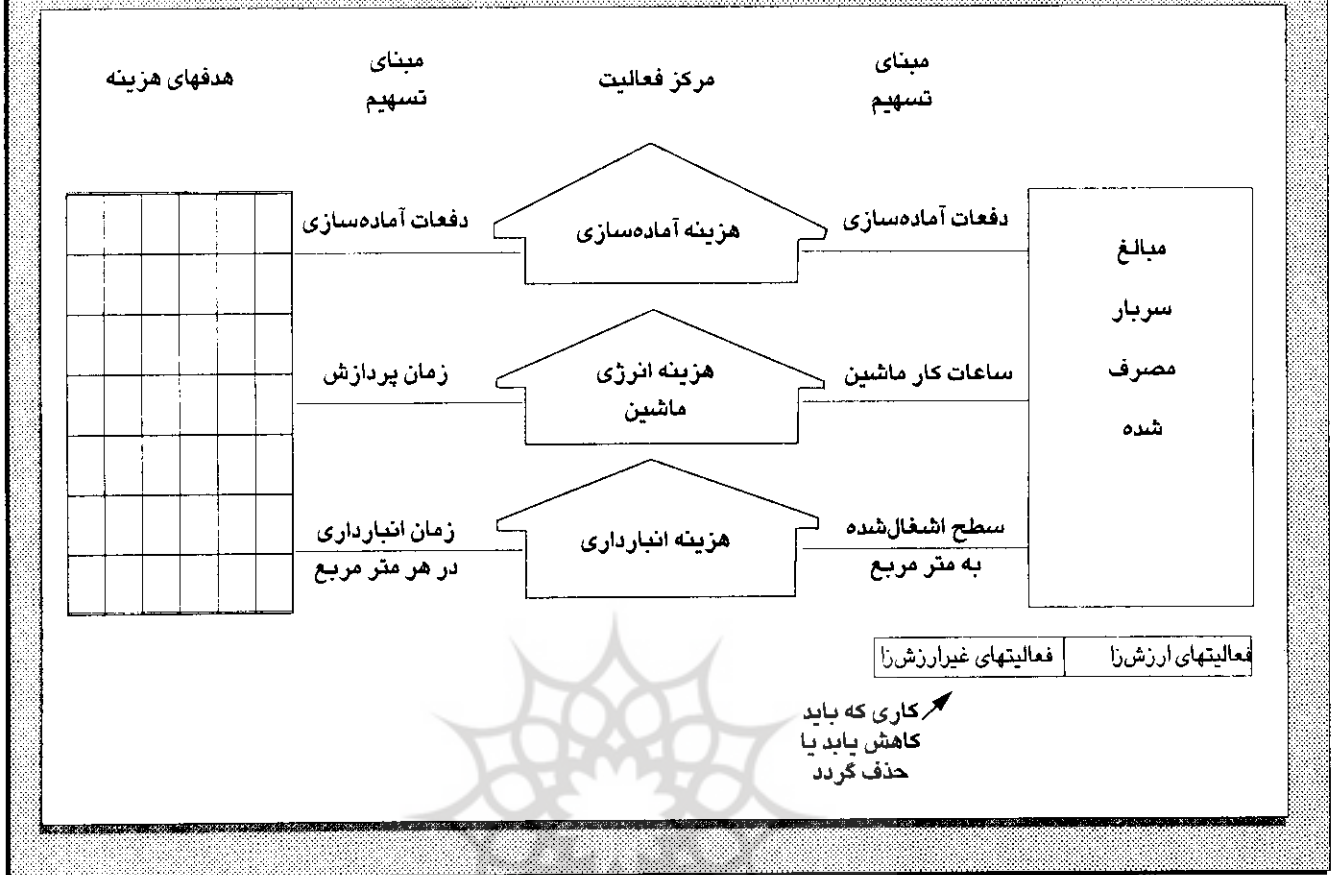
ب - شرکتهایی که دارای هزینه های سربار زیاد باشند و این هزینه ها به محصولات مختلف با توجه به میزان تولید هر یک به نسبت یکسان قابل تخصیص نباشند.

ج - شرکتهایی که از ماشین آلات پیشرفته خودکار در تولید استفاده می کنند و تسهیم هزینه سربار به محصولات تولیدی با روش قدیمی، بر مبنای کار مستقیم و یا ساعات کار ماشین با مشکل روبرو باشند.

د - شرکتهایی که دارای دو دسته محصول باشند، محصولاتی که تولید آنها مشکل اما سود بیشتری دارند و محصولاتی که تولید آنها آسان اما موجب سود کمتر یا زیان می شوند.

شرکتهایی که دارای ویژگیهای گفته شده هستند بهتر است که با

شکل ۱- فرایند دو مرحله هزینه‌یابی در چارچوب سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت



تعداد قابل کنترل.

اگر ارتباطی بین مرکز هزینه و عامل هزینه‌زا وجود داشته باشد عامل هزینه حذف یا کاهش خواهد یافت و به تبع آن هزینه‌های مرکز مربوط حذف یا کاهش می‌یابند. پس از آنکه هزینه‌ها در مراکز فعالیت مناسب گردآوری شدند می‌توان آنها را با استفاده از مبنای تسهیم مرحله دوم به محصول یا خدمات تخصیص داد روشی که در این مرحله به کار گرفته می‌شود همانند روش تسهیم سربار است.

شکل ۱ فرایند این دو مرحله هزینه‌یابی را در چارچوب سیستم ABC نشان می‌دهد.

همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، مبنای تسهیم هزینه در مرحله اول ممکن است با مبنای آن در مرحله دوم متفاوت باشد. زیرا برخی از هزینه‌های مرکز فعالیت در پایین‌ترین سطح فعالیت قابل شناسایی نیستند. هزینه‌ها در پایین‌ترین سطح فعالیت باید قابل تخصیص به هر واحد محصول تولید شده باشد. هزینه‌های به وجود آمده در سطوح بالاتر باید بر مبنای عوامل غیر مرتبط با میزان تولید تسهیم گردند. هزینه‌ها در سطوح بالاتر معمولاً به‌عنوان هزینه ثابت پذیرفته شده‌اند. اما در سیستم

خدمات تسهیم می‌کنند). به‌عنوان مثال اگر زمان واقعی تولید نه ساعت و کل زمان چرخه تولید بیست و چهار ساعت باشد بازده چرخه تولید $37/5$ درصد خواهد بود. $[(9 \div 24) \times 100 = 37/5]$

تسهیم دو مرحله‌ای در هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت

در روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت تسهیم هزینه‌های سربار معمولاً در دو مرحله انجام می‌گیرد. بعد از ثبت فعالیتها در دفتر کل و در حسابهای معین، هزینه‌ها در مراکز هزینه مرتبط با مرکز فعالیت جمع‌آوری می‌شوند. این عمل با استفاده از مبنای تسهیم مرحله اول صورت می‌گیرد که سطح انجام هزینه را نیز نشان می‌دهد. مرکز فعالیت به آن بخشی از تولید و یا خدمات گفته می‌شود که مدیران هزینه‌های انجام شده آن را به طور جداگانه گزارش خواهند داد.

در شناسایی این مراکز مدیران باید نکات زیر را مورد توجه قرار دهند:

- نحوه قرار گرفتن تجهیزات نسبت به هم از نظر مکانی؛
- تعیین مرکز مسئولیت مدیریتی؛
- حجم هزینه‌های تولیدی و اهمیت نگهداری مراکز فعالیت به

مسئله نمونه

شرکت امیرکبیر دو نوع کتاب خوراک‌شناسی جهت پخت غذا تهیه می‌کند. یکی از آنها با جلد مقوایی و دیگری با جلد چرمی تولید می‌گردند. مدیریت در حال بررسی انتشار با کیفیت خوب می‌باشد. شرکت سربار ساخت مربوط به دو کتاب را مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال تعیین نموده است که ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال حقوق بازرسان کنترل کیفیت و مبلغ ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال آن مربوط به نگهداری ماشین‌آلات است سایر اطلاعات اضافی عبارت است از:

درآمد (فروش)	کتاب جلد مقوایی	کتاب جلد چرمی
هزینه‌های مستقیم	۱۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال	۱۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال
تعداد تولید	۱۲,۵۰۰,۰۰۰	۶,۰۰۰,۰۰۰
ساعات کار ماشین	۵۰۰,۰۰۰ جلد	۲۵۰,۰۰۰ جلد
تعداد بازرسی	۴۲,۵۰۰ ساعت	۷,۵۰۰ ساعت
مطلوب است:	۲,۵۰۰ دفعه	۱۲,۵۰۰ دفعه

الف: محاسبه هزینه سربار ساخت هر یک از کتابها با استفاده از عوامل تشخیص مناسب برای هر یک از هزینه‌های سربار
ب: تهیه صورت سود و زیان با استفاده از سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت
ج: تهیه صورت سود و زیان با استفاده از روش سنتی با استفاده از ساعات کار ماشین

حل مسئله نمونه

الف	کتاب جلد مقوایی	کتاب جلد چرمی	جمع
ساعات کار ماشین	۴۲,۵۰۰	۷,۵۰۰	۵۰,۰۰۰
نرخ هر ساعت کار ماشین (۲,۰۰۰,۰۰۰ ÷ ۵۰,۰۰۰)	۴۰	۴۰	۴۰
هزینه نگهداری ماشین‌آلات	۱,۷۰۰,۰۰۰	۳۰۰,۰۰۰	۲,۰۰۰,۰۰۰
تعداد بازرسی	۲۵۰۰	۱۲۵۰۰	۱۵,۰۰۰
نرخ هریار بازرسی (۲,۰۰۰,۰۰۰ ÷ ۱۵,۰۰۰ = ۲۰۰)	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
هزینه‌های بازرسی کیفیت	۵۰۰,۰۰۰	۲,۵۰۰,۰۰۰	۳,۰۰۰,۰۰۰
جمع هزینه‌های سربار	۲,۲۰۰,۰۰۰	۲,۸۰۰,۰۰۰	۵,۰۰۰,۰۰۰

صورت سود و زیان با استفاده از سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت

سود	کتاب جلد مقوایی	کتاب جلد چرمی	جمع
درآمد فروش	۱۶,۰۰۰,۰۰۰	۱۴,۰۰۰,۰۰۰	۳۰,۰۰۰,۰۰۰
هزینه‌های مستقیم	۱۲,۵۰۰,۰۰۰	۶,۰۰۰,۰۰۰	۱۸,۵۰۰,۰۰۰
سربار ساخت (بندالف)	۲,۲۰۰,۰۰۰	۲,۸۰۰,۰۰۰	۵,۰۰۰,۰۰۰
	۱۴,۷۰۰,۰۰۰	۸,۸۰۰,۰۰۰	۲۳,۵۰۰,۰۰۰
	۱,۳۰۰,۰۰۰	۵,۲۰۰,۰۰۰	۶,۵۰۰,۰۰۰

صورت سود و زیان با استفاده از روش سنتی

سود(زیان)	کتاب جلد مقوایی	کتاب جلد چرمی	جمع
درآمد فروش	۱۶,۰۰۰,۰۰۰	۱۴,۰۰۰,۰۰۰	۳۰,۰۰۰,۰۰۰
هزینه‌های مستقیم	۱۲,۵۰۰,۰۰۰	۶,۰۰۰,۰۰۰	۱۸,۵۰۰,۰۰۰
سربار ساخت	۴,۲۵۰,۰۰۰	۷۵۰,۰۰۰	۵,۰۰۰,۰۰۰
جمع هزینه‌ها	۱۶,۷۵۰,۰۰۰	۶,۷۵۰,۰۰۰	۲۳,۵۰۰,۰۰۰
	(۷۵۰,۰۰۰)	۷,۲۵۰,۰۰۰	۶,۵۰۰,۰۰۰

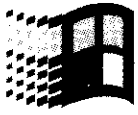
$$۵,۰۰۰,۰۰۰ \div (۴۲,۵۰۰ + ۷,۵۰۰) = ۱۰۰$$

$$۴۲,۵۰۰ \times ۱۰۰ = ۴,۲۵۰,۰۰۰$$

$$۷۵۰۰ \times ۱۰۰ = ۷۵۰,۰۰۰$$

نرخ جذب سربار ساعتی
سربار مسافت جلد مقوایی
سربار مسافت جلد چرمی

نمایشگاه کامپیوتر
۲۳ تا ۲۷ خرداد ۲۹



نرم افزارهای مالی اداری چند زبانه تحت Windows

در سطوح مختلف جهت شرکتهای بازرگانی و تولیدی

نپال



multilingual financial & administrative softwares

ایده آل سیستم

نشانی: ایران شهر شمالی کوی برنا ساختمان ۳۳ طبقه ۳ غربی
واحد فروش: ۸۸۴۹۳۸۷، ۸۸۴۵۶۰۷، ۸۸۴۳۱۰۲، ۳، ۸۸۴۷۱-۴۷۱-۸۸۱
واحد پشتیبانی: ۸۸۴۳۶۵۸
فاکس: ۸۸۴۵۶۰۶
Email: ideal@irost.istn.com

وزارت کار و امور اجتماعی

بخشنامه حداقل مزد سال ۱۳۷۹

تاریخ: ۱۳۷۸/۱۲/۲۸

شماره: ۶۵۰۳۷

شورای عالی کار در جلسه مورخ ۷۸/۱۲/۲۵ پس از بحث و بررسی راجع به حداقل مزد کارگران در سال ۱۳۷۹ با عنایت به نقشی که کارگران در روند اصلاح ساختار اقتصادی و ارتقاء بهره‌وری دارند و با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی کشور و همسو با اهداف برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشور و هماهنگ با سیاستهای دولت در جهت تثبیت و حفظ و توسعه اشتغال و تشویق و تقویت هر چه بیشتر نیروی کار ماهر و متخصص در اجرای ماده ۱۲۱ قانون کار از اول سال ۱۳۷۹ حداقل مزد و تاثیر آن بر سایر سطوح مزدی و نیز کمک‌های غیرنقدی و مقررات مربوط به اعطای پایه سنواتی و ارتقاء طبقه شغلی کارگران مشمول قانون کار را در سراسر کشور به شرح زیر تصویب نمود:

- ۱- از اول سال ۱۳۷۹ حداقل مزد روزانه کارگران مشمول قانون کار (با اعمال فرمول ۱۰٪ افزایش بر روی حداقل مزد سال گذشته به اضافه ۲۰۰۰ ریال) معادل ۱۵۲/۷ ریال تعیین می‌گردد. همچنین از اول سال ۱۳۷۹ سایر سطوح مزدی نیز به ماخذ روزانه ۱۰٪ مزد ثابت یا مزد مبنا (موضوع ماده ۳۶ قانون کار) به اضافه روزانه ۲۰۰۰ ریال به نسبت آخرین مزد سال ۱۳۷۸ افزایش می‌یابد.
- ۲- نرخ پایه سنواتی کارگران در سال ۱۳۷۹ روزانه ۳۸۰ ریال می‌باشد که با گذشت یکسال از دریافت آخرین پایه سنواتی و یا پس از گذشت یکسال از تاریخ استخدام (در مورد کسانی که در سال ۱۳۷۸ استخدام شده‌اند) به آنان تعلق می‌گیرد.
- تبصره ۱- پرداخت مبلغ مربوط به پایه سنواتی به کارگران مشمول طرحهای طبقه‌بندی مشاغل مصوب وزارت کار و امور اجتماعی با در نظر گرفتن مبلغ فوق‌الذکر برای گروه یک با توجه به دستورالعمل اداره کل بهره‌وری و مزد صورت می‌گیرد.
- تبصره ۲- به کارگران فصلی به نسبت مدت کارکردشان در سال ۱۳۷۸ میزان مقرر در این بند (یا تبصره آن حسب مورد) تعلق می‌گیرد.
- ۴- ضوابط مربوط به نحوه اعمال افزایش مقرر در بند یک این بخشنامه در مورد کارگاههایی که دارای طرح طبقه‌بندی مشاغل می‌باشند و نیز در مورد کارگران کارمزدی و همچنین چگونگی ارتقاء طبقه شغلی به موجب دستورالعملهای اداره کل بهره‌وری و مزد خواهد بود.
- ۵- مقررات این مصوبه شامل حال دانش‌آموزان و دانشجویانی که در ایام تعطیلات تابستانی در سال ۱۳۷۹ بطور موقت در کارگاهها اشتغال می‌یابند نخواهد شد.

۶- واحدهای مشمول قانون کار به منظور ارتقا بهره‌وری و ایجاد انگیزه بیشتر در بین کارکنان خود علاوه بر اجرای این مصوبه می‌توانند نسبت به افزایش مزد و مزایا در قالب طرحهای انگیزشی و با انعقاد پیمانهای دسته جمعی پس از تایید وزارت کار و امور اجتماعی اقدام نمایند.

ابوالقاسم کرم‌بیگی

مدیرکل بهره‌وری و مزد

وزارت کار و امور اجتماعی

تاریخ: ۱۳۷۸/۱۲/۲۸

شماره: ۴۶۶۳۳/ت

دستورالعمل نحوه اجرای مصوبه مورخ ۷۸/۱۲/۲۵ شورای عالی کار موضوع بخشنامه شماره ۶۵۰۳۷ مورخ ۷۸/۱۲/۲۸ وزیر محترم کار و امور اجتماعی نحوه اجرای مصوبه مزبور را در کارگاههای دارای طرحهای طبقه‌بندی مشاغل مصوب وزارت کار و امور اجتماعی اعلام می‌دارد:

در اجرای بند ۴ مصوبه ۷۸/۱۲/۲۵ شورای عالی کار موضوع بخشنامه شماره ۶۵۰۳۷ مورخ ۷۸/۱۲/۲۸ وزیر محترم کار و امور اجتماعی نحوه اجرای مصوبه مزبور را در کارگاههای دارای طرحهای طبقه‌بندی مشاغل مصوب وزارت کار و امور اجتماعی اعلام می‌دارد:

الف - نحوه اجرای بند یک بخشنامه راجع به افزایش مزد

مزد مبنا یعنی مزد گروه و پایه (و مزد رتبه در مورد واحدهایی که دارای نظام رتبه‌بندی می‌باشند و سایر مواردی که به موجب ضوابط مربوط در کارگاه جزء مزد مبنا محسوب می‌شوند) در مورد کلیه کارکنان از اول فروردین ماه ۱۳۷۹ روزانه ۱۰٪ به اضافه ۲۰۰۰ ریال افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر:

$$\text{مزد مبنای روزانه از اول سال } ۱۳۷۹ = ۲۰۰۰ + (۱/۱ \times \text{آخرین مزد مبنای روزانه در سال } ۱۳۷۸)$$

تبصره: به منظور به روز نگهداشتن ضرایب ریالی و جداول مزد و اعمال آنها به هنگام استخدام، ارتقاء و اعطای رتبه و نظایر آنها در سال ۱۳۷۹ آخرین ضریب ریالی در سال ۷۸ در عدد ۱/۱ ضرب شود تا ضریب فردی سال ۱۳۷۹ را بدست دهد. همچنین کلیه مزد شغل‌های گروه‌های بیست‌گانه آخرین جدول مزد سال ۱۳۷۸ در عدد ۱/۱ ضرب و با عدد ۲۰۰۰ ریال جمع شوند تا مزد شغل‌های سال ۱۳۷۹ بدست آید.

ب - نحوه اجرای بند ۲ بخشنامه راجع به نرخ پایه سنوات در سال ۱۳۷۹

جدول نرخ پایه سنوات در گروه‌های بیست‌گانه در سال ۱۳۷۹ به شرح جدول ذیل این دستورالعمل است. به کارکنانی که از ۷۹/۱/۱ به بعد دارای یکسال سابقه خدمت باشند یا یکسال از آخرین ترفیع پایه آنان سپری شده باشد متناسب با گروه شغلی مربوط یک پایه با نرخ مقرر اعطا می‌شود.

تبصره: اعطای پایه پس از اعمال بند یک بخشنامه به شرح مندرج در بند الف این دستورالعمل صورت می‌گیرد. (یعنی نرخ پایه مربوط به سال ۱۳۷۹ در عدد ۱/۱ ضرب نمی‌شود).

نحوه اجرای بند ۴ بخشنامه راجع به افزایش مزد ناشی از ارتقاء

در صورت ارتقاء هر یک از کارکنان در اجرای دستورالعمل اجرایی طرح طبقه‌بندی مشاغل در سال ۱۳۷۹ افزایش مزد ناشی از ارتقاء به ترتیب مقرر در دستورالعمل اجرایی طرح طبقه‌بندی مشاغل کارگاه ذیربط صورت می‌گیرد.

تبصره ۱: در صورتیکه برابر دستورالعمل اجرایی طرح هنگام ارتقاء علاوه بر افزایش مزد شغل، مابه‌التفاوت نرخ پایه یا مزد سنوات در گروه قبلی و گروه جدید نیز پرداخت می‌گردد. این مابه‌التفاوت در ۱/۱ نیز ضرب می‌شود.

تبصره ۲: در کارگاههایی که فاقد طرح طبقه‌بندی مشاغل مصوب می‌باشند پرداخت اضافه مزد ناشی از ارتقا می‌باید طبق ضوابط مزدی، رویه و عرف کارگاه در گذشته انجام شود.

جدول نرخ پایه در گروه‌ها در کلیه طرحهای طبقه‌بندی مشاغل مصوب وزارت کار و امور اجتماعی

گروه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
نرخ پایه	۳۸۰	۳۸۵	۳۹۰	۳۹۵	۴۰۰	۴۰۵	۴۱۰	۴۱۵	۴۲۰	۴۲۵
گروه	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
نرخ پایه	۴۳۰	۴۴۰	۴۵۰	۴۶۰	۴۷۰	۴۸۰	۴۹۰	۵۰۰	۵۱۰	۵۲۰

ابوالقاسم کرم‌بیگی

مدیرکل بهره‌وری و مزد

وزارت کار امور اجتماعی

تاریخ: ۱۳۷۸/۱۲/۲۸

شماره: ۴۶۶۳۴/ت

دستورالعمل نحوه اجرای بند یک بخشنامه شماره ۶۵۰۳۷ مورخ ۷۸/۱۲/۲۸ مقام وزارت کار و امور اجتماعی در مورد کارگران کارمزدی

در اجرای بند ۲ بخشنامه شماره ۶۵۰۳۷ مورخ ۷۸/۱۲/۲۸ مقام عالی وزارت کار و امور اجتماعی بدینوسیله نحوه اعمال بند یک بخشنامه مذکور در مورد کارگران کارمزدی را اعلام میدارد:

۱- چگونگی اعمال ده درصد افزایش

قسمت ثابت مزد (در صورتی که کارگران دارای قسمت ثابت مزد باشند) و نیز نرخ‌های کارمزدی در سال ۱۳۷۹ (به نسبت آخرین مزد یا کارمزد در سال ۱۳۷۸) هر یک به ماخذ ده درصد افزایش می‌یابند.

تبصره: چنانچه نرخ یا ملاک‌های کارمزدی تابع قسمت ثابت مزد بوده و یا به عبارت دیگر به صورت درصدی از قسمت ثابت مزد تعیین شده باشند، در این صورت تنها بخش ثابت مزد مشمول افزایش ده درصد می‌گردد (زیرا با این عمل، نرخ با ملاک‌های کارمزدی نیز به دلیل تبعیت از قسمت مذکور خودبخود دستخوش افزایش خواهند شد.

۲- چگونگی اعمال افزایش رقم ثابت ۲۰۰۰ ریال

علاوه بر افزایش ده درصد به ترتیب مندرج در بند بالا، چنانچه کارگران دارای قسمت ثابت مزد باشند، این قسمت در سال ۱۳۷۹ روزانه ۲۰۰۰ ریال افزایش می‌یابد و در صورتی که فاقد قسمت ثابت مزد باشند نیز در سال ۱۳۷۹ روزانه ۲۰۰۰ ریال در اجرای مصوبه شورای عالی کار به صورت ثابت در مورد آنان برقرار می‌شود.

توصیه می‌شود به منظور ایجاد انگیزه بیشتر در جهت ارتقاء سطح کمی و کیفی تولید و افزایش درآمد کارگران متناسب با تولید در صورت توافق طرفین، رقم ثابت ۲۰۰۰ ریال نیز به جای پرداخت به صورت مقطوع بر روی نرخ با ملاک‌های کارمزدی به نحوی اعمال گردد که از این بابت به طور متوسط روزانه حداقل ۲۰۰۰ ریال (ماهانه ۶۰/۰۰۰ ریال) عاید کارگران ذریبط شود.

تبصره: در صورت اعمال روش اخیر، چنانچه دریافتی کارگران از این بابت کمتر از ۶۰/۰۰۰ ریال در ماه (سی روز) شود، کارفرما ملزم به ترمیم آن تا رقم مذکور خواهد بود.

۳- اعطای پایه سنوات

علاوه بر افزایش کارمزد، به کارگران کارمزدی نیز برحسب آنکه مشمول طرح طبقه‌بندی مشاغل باشند یا خیر حسب مورد تطابق دستورالعمل‌های ذریبط از پایه سنواتی موضوع بند ۳ بخشنامه شماره ۶۵۰۳۷ مورخ ۷۸/۱۲/۲۸ مقام محترم وزارت کار و امور اجتماعی برخوردار خواهند شد.

ابوالقاسم کرم‌بیگی

مدیرکل بهره‌وری و مزد

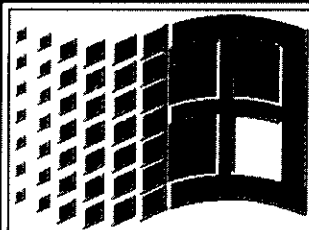
حداکثر دستمزد مبنای کسر حق بیمه در سال ۱۳۷۹

باستناد بخشنامه شماره ۶۲۹ فنی سازمان تامین اجتماعی حداکثر دستمزد روزانه مشمول کسر حق بیمه معادل ۵۴۸۰۰ ریال برای سال ۱۳۷۹ تعیین شده است.

سیستم جامع حسابداری

تدبیر

یکی به سکه صاحب عیار ما نرسد
بازار کائنات آرند

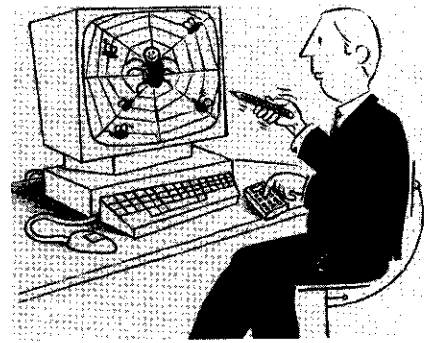


نفت
Windows 9x
&
Windows NT

شرکت پردازش موازی سامان (با مسئولیت محدود)

تهران - میدان توحید - خیابان توحید - پلاک ۲۲ تلفن: ۹۲۹۱۱۰-۹۲۹۱۱۰ فاکس: ۹۳۹۱۱۰

حسابداری و برنامه ریزی اقتصادی



عوامل اقتصادی و محیطی متعددی وابسته است.

برای تهیه جدول داده ستاده‌ها محاسبه ضرائب فنی ضروری می‌گردد ضرائب فنی a_{ij} در جدول شماره ۱ می‌باشند.

برای مثال $a_{۲۲}$ مقدار کالای تولید شده در صنعت یا بخش ۲ می‌باشد که برای تولید یک واحد پولی محصول در صنعت یا بخش ۴ مورد نیاز است. به‌طورکلی a_{ij} مقدار محصول صنعت i است که برای تولید یک واحد پولی از محصول صنعت j مورد نیاز می‌باشد. اطلاعات درست هزینه که به‌وسیله حسابداران صنعتی در واحدهای اقتصادی تهیه می‌گردد می‌تواند کمک بسیار زیادی برای اقتصاددانان تهیه کننده جدول داده - ستاده‌های اقتصاد باشد. در زمینه کارایی استفاده از منابع یا اجتناب از اتلاف منابع در سطح خرد، کنترل‌های حسابداری اعمال شده از طریق بودجه‌بندی و استفاده از روش هزینه‌یابی استاندارد و یافتن دلایل انحراف به‌وسیله حسابداران صنعتی می‌تواند بسیار مفید باشد.

اساس و پایه برنامه‌ریزی داشتن اطلاعات دقیق و با مفهوم است. در سطح ملی، حسابهای ملی باید این اطلاعات را برای برنامه‌ریزی در اختیار برنامه‌ریزان قرار دهد. حسابهای ملی آنچه را که در اقتصاد اتفاق افتاده توصیف می‌کند. این حسابها عموماً با استفاده از اطلاعات ارائه شده به‌وسیله قسمت حسابداری واحدهای تولیدی تهیه می‌شوند^(۱۰). حسابداری خرد

طریق بتوان اطلاعات قابل اطمینانی برای فرایند توسعه فراهم آورد. این چارچوب خاص باید بین حسابداری خرد (بنگاههای اقتصادی) و حسابداری کلان (حسابداری ملی) پیوند ایجاد کند.

از آنجایی که برنامه‌ریزی توسعه معرف یک نظام تصمیم‌گیری در شرایط عدم اطمینان است، بنابراین برای کاهش عدم اطمینان لازم است نظام اطلاعاتی و آماری منسجمی در کنار آن ایجاد شود. در غیر این صورت انتخاب بهترین راهها برای به‌کار گرفتن منابع کمیاب اقتصادی برای برنامه‌ریزی توسعه ممکن نمی‌گردد.

نبود اطلاعات قابل اعتماد برای برنامه‌ریزی توسعه می‌تواند آثار نامطلوب چندی در فرایند توسعه برجا گذارد.

۱- انتخاب الگوی توسعه فاقد مبنای درست خواهد بود و با واقعیات خاص کشور مورد نظر سازگاری نخواهد داشت.

۲- فقدان اطلاعات لازم در خصوص روابط متقابل بین بخشهای اصلی اقتصاد باعث می‌شود که برنامه‌ریزی توسعه فاقد سازگاری و هماهنگی درونی باشد.

۳- فقدان اطلاعات مربوط به کمیابی نسبی منابع موجود برای برنامه توسعه فرایند تخصیص منابع را به بیراهه می‌کشاند.

به‌طور خلاصه نداشتن نظام اطلاعاتی و آماری درست منجر به این می‌شود که در پایان برنامه توسعه یا به نتایج قابل لمس نسیم یا برای آنچه که به‌دست آورده‌ایم، بهای گزاف بپردازیم.

از جمله ضرورت‌های یک برنامه واقع‌بینانه ایجاد سیستم واحد جمع‌آوری اطلاعات آماری و مالی، تقویم و برآورد هزینه‌ها، بودجه‌بندی پروژه‌ها و برآورد هزینه و فایده منابع اقتصادی است. برای این منظور به یک نظام سازمان یافته

یا حسابداری در سطح بنگاههای اقتصادی، عمدتاً به محاسبه و گزارش نتایج عملیات بنگاههای اقتصادی مربوط می‌شود و بخش چشمگیری از پایه آماری نظام حسابداری ملی را تشکیل می‌دهد. اما حسابداری در بنگاههای اقتصادی با هدفی غیر از هدف کمک به نظام حسابداری ملی انجام می‌گیرد. بنابراین باید بین محاسبات حسابداری خرد و حسابداری ملی سازگاری ایجاد شود.

این سازگاری با هماهنگی از نظر تعاریف، واحدهای اندازه‌گیری، طبقه‌بندی‌ها، میزان دقت لازم در آمار حسابداری خرد برای هدفهای حسابداری ملی ایجاد می‌شود. حسابداران باید از اهمیت محاسبات خود در فرایند تدوین برنامه برای اقتصاد آگاه گردند. این آگاهی باعث می‌شود که برای توسعه کار خود افق وسیعتری داشته باشند.

در کشورهای در حال توسعه آگاهی لازم در مورد نقش مهم و بالقوه حسابداری در فرایند توسعه اقتصادی وجود ندارد. به عقیده گروهی این ناآگاهی ناشی از این واقعیت است که اقتصاددانان توسعه و برنامه‌ریزان به اهمیت حسابداری در توسعه اقتصادی واقف نیستند یا اینکه حسابداری را عاملی برون‌زا فرض می‌کنند. بسیاری از برنامه‌ریزان توسعه فکر می‌کنند که وقتی فعالیتهای اقتصادی، توسعه اقتصادی را سرعت بخشید، توسعه حسابداری نیز بگونه‌ای خودکار به‌وجود می‌آید.

اما در کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه، توسعه حسابداری باید به مثابه توسعه بخشی از زیر ساخت لازم برای رسیدن به توسعه اقتصادی تلقی شود. بنابراین باید چارچوبهای خاصی برای توسعه حسابداری به‌وجود آید تا از آن

منابع نبود، برنامه‌ریزی اقتصادی چندان اهمیت نداشت. امروزه فشار جمعیت، بازسازی خرابیهای ناشی از جنگ، بدهی خارجی و کمبود ارز را داریم. مشکلات اقتصادی فراوان هستند. باید به برنامه‌ریزی توسعه و رشد اهمیت داد. اما برنامه‌های بعد از انقلاب انحرافات قابل توجه داشته است که این انحرافات تا حدی ناشی از مرحله ساخت برنامه و بخشی ناشی از مرحله اجراست. اشکالات مرحله ساخت برنامه به نظام اطلاعاتی مربوط می‌شود که حسابداران نقشی مهم در بهبود آن دارند. اشکالات مرحله اجرا نیز به کنترلها مربوط می‌شود که باید توسط مدیران اقتصاد کلان کشور اصلاح شود، در این زمینه نیز حسابداران می‌توانند نقش موثری داشته باشند.

بی‌نوشت

- 1- Directive planning
- 2- Incentive planning
- 3- Indicative planning

منابع

- ۱- مهدی تقوی، مدیریت مالی ۱، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۴
- ۲- رگلز و دیگران، حسابداری و برنامه‌ریزی اقتصادی، ترجمه مهدی تقوی - صالح لطفی، انتشارات پیشبرد ۱۳۶۳
- 3- W.D. Gardner, Government Finance, PP3 - 12
4. Killick, The Adaptive Economy, PP. 75-77.
- 5- M. Cave and P. Hare, Alternative Approaches to Economic Planning PP 1-16
- 6- O. Lange, Essays on Economic Planning, PP 11-20
- 7- J.k. Gallbraith, Economic Development, P. 27
- 8- M. Cave and P.Hare, PP. 128-148
- ۹- مهدی تقوی، مدیریت مالی ۱، فصل بودجه‌بندی سرمایه‌ای
- ۱۰- رگلز و دیگران، حسابداری و برنامه‌ریزی اقتصادی، ترجمه مهدی تقوی، صالح لطفی صفحات ۱۰-۵

رابطه پویا و مستمری بین حرفه حسابداری و همه ارگانهای درگیر در نوسازی و بهسازی شبکه گردآوری و انتقال اطلاعات به صورتی سازمان یافته و تمرکز یافته برقرار گردد. حرفه حسابداری باید به فلسفه و بینش جدیدی درباره حسابداری و پیوندهای اجتماعی آن مجهز گردد و مفهوم استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری را به گونه‌ای دیگر توسعه داده و غنی سازد که ارگانهای نیازمند به اطلاعات اقتصادی برای برنامه‌ریزی‌های عمرانی جایگاه مهمی در آن مجموعه استفاده‌کنندگان بیابند و حسابداران ملی بتوانند سهولت آمار حسابهای ملی را با اتکا به صورتهای مالی تهیه شده به وسیله حسابداران تهیه کنند. به نظر می‌رسد نخستین مسئله‌ای که در این حرکت به سوی نگرش جدید به اهمیت و جایگاه حسابداری پیش می‌آید، تجدیدنظر در الگوها، اصول و استانداردهای حسابداری گرفته شده از کشورهای سرمایه‌داری صنعتی است. بدین معنی که اصول، قواعد و استانداردهای حسابداری گرفته شده از این کشورها تا چه اندازه جوابگوی نیازهای اطلاعاتی برای برنامه‌ریزی توسعه می‌باشد.

بررسی ارتباط حسابداری با برنامه‌ریزی توسعه اگر به شکل عمیق‌تر و گسترده‌تر انجام شود ممکن است این پرسش را پیش آورد که حرفه حسابداری در کشوری مانند کشور ما چگونه و در چه شرایطی می‌تواند همسوی حرکت عمومی جامعه در راه توسعه اقتصادی به حرکت در آید و خود انگیزه موثری در ادامه این حرکت عمومی گردد.

مسئله دیگری که توجه به آن ضروری است، این است که در ایران در گذشته نه فشار جمعیت وجود داشت و نه بازسازی خرابیهای ناشی از جنگ و نه بدهی خارجی و کمبود ارز، چون منابع نسبتاً کمیاب نبودند و فلسفه حاکم بهینه‌سازی استفاده از

حسابداری بخشها و حسابداری کلان که بتواند سازمان مسئول تهیه حسابداری ملی یا حسابداری اجتماعی کشور را تغذیه اطلاعاتی کند، نیاز هست.

در تئوری، شرط اولیه داشتن یک نظام اطلاعاتی و آماری قابل اعتماد برای ارزیابی و کارکرد اقتصادی یک کشور وجود یک نظام حسابداری ملی است. با در اختیار داشتن نظام حسابداری ملی می‌توانیم تعریفی منسجم و کمی از ساخت یک اقتصاد را در دوره معینی از زمان ارائه دهیم. نکته بسیار مهم این است که اکثر کشورهای در حال توسعه نظام حسابداری ملی خود را از نظام حسابداری ملی سازمان ملل متحد گرفته‌اند. با اینکه نظام پیشنهادی کالا نظامی کامل و منطقی است، اما این نظام عمدتاً برای کشورهای صنعتی بسیار پیشرفته تدوین شده است. و قابل انطباق با شرایط خاص کشورهای در حال توسعه نیست. این کشورها باید با توجه به شرایط خاص خود و با استفاده از نظام حسابداری پیشنهادی UN، نظام خاص حسابداری ملی خود را طراحی کنند.

نتیجه‌گیری

برنامه‌ریزی توسعه از جمله مستلزم دسترسی به اطلاعات مربوط، کامل و بهنگام است. چون هدف برنامه‌ریزی برای توسعه اقتصادی عموماً اقدام در جهت افزایش نرخ رشد و توسعه اقتصاد می‌باشد، کوشش آگاهانه برای ایجاد مراکز و شبکه جمع‌آوری و انتقال اطلاعات خود جزئی از کوشش همگانی در راه توسعه اقتصادی است. بدیهی است که در این کوشش خاص برای نوسازی یا بهسازی نظام اطلاعاتی مورد نظر، مطالعه «وضع موجود» بر هر اقدام دیگری مقدم است. در این نوسازی و بهسازی حرفه حسابداری می‌تواند و باید فعالانه مشارکت کند.

این بدین معنی است که لازم است

گرفتن دستهای کوچک دعوتی است از

موسسه محک با هدف سترگ کمک به کودکان مبتلا به سرطان در دی ماه ۱۳۷۰ (صددرصد خصوصی) با شماره ثبت ۶۵۶۷ تاسیس شده و از همان ابتدا سعی نموده تا مرهم و تسکینی برای تخفیف آلام و رنجهای این کودکان و خانواده‌های آنها باشد.

محک خوشبختانه توانسته است در این مدت با تلاشی بی‌وقفه و با یاری صمیمانه هموطنان نیکوکار در راستای هدفهای خود خدمات ارزنده‌ای را به شرح زیر به کودکان تحت پوشش ارائه دهد.

- کمک مستقیم مالی و دارویی
- فراهم نمودن تسهیلات تشخیص و درمان
- بهینه‌سازی بخشهای خون کودکان بیمارستانهای تحت پوشش و همکاری با مددکاران و مسئولان این بخشها
- ارائه خدمات آموزشی و مشاوره بهداشتی - روانی به کودکان و خانواده‌های آنان
- اجرای برنامه‌های آموزشی و سرگرمی و بازی کودکان
- ایجاد فضای همیاری بین خانواده‌های کودکان بیمار
- ایجاد تسهیلات و امکانات بیشتر برای نگهداری کودکان در بیمارستانها

طی سالهای گذشته و بر اساس تجربه‌های به دست آمده در مورد بررسی شرایط اجتماعی - اقتصادی خانواده‌های کودکان مبتلا به سرطان و مطالعه امکانات تشخیصی درمانی و بیمارستانی، این بیماران در سطح کشور نیازی مبرم به یک مجتمع رفاهی - درمانی با فضای شاد و تمیز همراه با تغذیه و مراقبت ویژه دارند که این امری ضروری و اساسی تشخیص داده شده است.

کودکان معصوم بیمار شهرستانی پس از شیمی درمانی، پرتو درمانی و غیره در شهر شلوغ تهران به دلیل نداشتن جا و مکان سرگردان شده و قبل از اینکه سرطان آنها را از پای درآورد آلودگیهای مسافرخانه‌ها، کنار

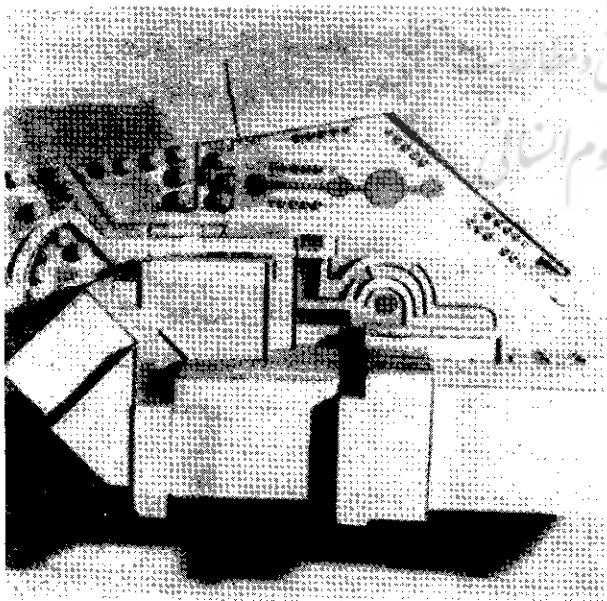


دستهای بزرگتر که نگهدارمان باشند

پیاده‌روها و کنار بیمارستانها آسیبهای جبران‌ناپذیری به آنان وارد می‌آورد. از این رو احداث مجتمع رفاهی - بهداشتی محک در دستور کار قرار گرفت.

مجتمع رفاهی - بهداشتی محک در زمینی به مساحت ۴۴۰۰ متر مربع که با قیمت مناسب از سازمان زمین شهری در منطقه دارآباد تهران خریداری شده احداث می‌گردد. در این مجتمع اقامت ۱۲۰ کودک بیمار همراه با یکی از والدین آنها در فضاهای خصوصی، به انضمام سرویسهای بهداشتی مستقل و تسهیلات جانبی در بخشهایی با ظرفیت ۲۸ تخت (با همراه) پیش‌بینی شده است. در بخش آشپزخانه و غذاخوری امکانات تغذیه کودکان و یکی از والدین آنها به علاوه کارکنان شاغل در مجموعه در نظر گرفته شده است و افزون بر آن ایجاد بخشهای رختشویخانه، واحد استریل و امکانات رفاهی و بازپروری کودکان در قالب بخش فیزیوتراپی با تاکید بر تسهیلات استخر و آب‌درمانی و نیز پیش‌بینی امکانات سالنهای نمایشی، بوفه و فضاهای اداری، از دیگر برنامه‌های مورد نظر در طرح مجموعه است. علاوه بر این در بخشهای توسعه آتی، امکان استقرار فضاهای کلینیکی، دفاتر کار پزشکان، آزمایشگاه و رادیولوژی نیز مد نظر می‌باشد. مجتمع از تسهیلات مکانیکی و تهویه مطبوع، به صورت مرکزی برخوردار خواهد بود.

لازم به یادآوری است، ناظر مالی مجتمع، یکی از اعضای شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران می‌باشد. از جامعه حسابداران کشور که همیشه در کار خیر پیشقدم بوده‌اند دعوت می‌شود در صورت تمایل کمکهای مالی خود را به حساب جاری ۴۴۴۴ بانک صادرات شعبه قائم مقام (کد شعبه ۱۴۴۵) به نام محک واریز نمایند. ضمناً در صورت تمایل، تصویر فیش کمک خود را (با نام و یا بدون نام) به دفتر مجله ارسال فرمایند.



ادامه از صفحه ۱۳ مدل گزارشگری مالی در بنگاههای...

شرکتها باید روشها و مفروضات به کار رفته در تهیه گزارشهای دوره‌ای را که با محاسبات سالانه متفاوت است افشا نمایند.

اطلاعات عملیاتی سطح بالا و معیارهای ارزیابی عملکرد شرکت که مدیریت برای اداره شرکت به کار می‌برد.

اطلاعات عملیاتی سطح بالا و معیارهای ارزیابی عملکرد در شرکتها و صنایع مختلف فرق خواهد کرد. مدیریت باید معیارهایی را برگزیند که با نوع فعالیت شرکت بامعنی و مرتبط بوده و معیار نشان‌دهنده آینده شرکت باشد.

اطلاعات غیرمالی برای فهم صورتهای مالی، درک ارتباط بین وقایع و تاثیر مالی آن وقایع بر شرکت و پیش‌بینی آینده شرکت مهم می‌باشد. برای شرکتی با چندین بخش مختلف، اطلاعات مزبور باید به تفکیک هر یک از بخشها باشد. عموماً افشای اطلاعات غیرمالی بعدی کمک موثر در ارزیابیها می‌نماید و بهتر است که این اندازه‌گیری مقداری با بحثهای کیفی توضیح داده شود.

در مواردی که اطلاعات غیرمالی برای شرکت مشخص نباشد و یا از اهمیت بالایی برای شناسایی عملیات شرکت برخوردار نباشد، افشای آنها در گزارشهای مالی ضرورتی ندارد.

اطلاعات بسایند برای دوره‌ای که صورتهای مالی خلاصه و اطلاعات و آمار اساسی و نسبتهای مالی ارائه شده است ارائه گردد. اطلاعات زیر باید در گزارشهای مالی افشاگردند.

- آمار و ارقام مربوط به فعالیتهای درآمدزا، مقبولیت بازار و کیفیت مانند تعداد و قیمت تولیدات و خدمات عرضه شده، رشد و یا کاهش سهم بازار، آمار رضایت مشتریان، درصد ضایعات یا برگشت کالا و خدمات.

- آمار و ارقام مربوط به فعالیتهایی که منجر به هزینه می‌شود مانند تعداد کارکنان و متوسط پاداش هر کدام و مقدار و قیمت مواد مصرف شده.

- ارقام مربوط به فعالیتهای تولیدی مانند نسبت ستاده به داده.

- آمار مربوط به زمان لازم برای اجرای فعالیتهای اصلی مثل تولید یا تحویل کالاها و خدمات و ایجاد تولیدات و خدمات جدید.

- اطلاعات مربوط به کمیت و کیفیت منابع کلیدی شامل منابع انسانی یا متوسط عمر داراییهای مهم و یا مقدار ذخایر طبیعی.

- معیارها و ضوابط مربوط به اختراع و ابداع مانند درصد واحدهای تولید شده در سال جاری که طی سه سال گذشته طراحی شده و یا تعداد پیشنهادات کارمندان و کارگران جهت بهبود وضعیت شرکت که در سال گذشته دریافت شده است.

- مقدار مشارکت کارکنان در امور شرکت و اجرای وظایف و رضایت کارکنان.

- ارزیابی استحکام روابط بین شرکت و فروشندگان مانند رضایت آنها و میزان تغییرات در این ارزیابی.

تجزیه و تحلیل مدیریت از اطلاعات مالی و غیرمالی

● **دلایل تغییر در اطلاعات مالی، عملیاتی و عملکرد و شناسایی تاثیر عوامل کلیدی در روند گذشته**

● این بخش تغییرات کلیدی ارقام مندرج در گزارشهای مالی و غیرمالی تاریخی را شناسایی و دلایل این تغییرات را مورد بحث قرار می‌دهد.

● توضیحات اطلاعات مالی همانند اطلاعات غیرمالی به شناخت بیشتر گزارشهای مالی کمک می‌نماید. همچون

گزارشهای مالی که رخدادهای مالی را معنی‌دار می‌نماید، این توضیحات تغییرات ایجاد شده در اطلاعات غیرمالی را نیز معنی‌دار می‌نماید. در گزارشهای سالانه تجزیه و تحلیل اطلاعاتی مدیریت باید دست کم بر روی سال قبل متمرکز گردد. توضیحات حداقل باید زمینه‌های مورد اشاره در زیر را مشخص نماید.

● دلایل تغییر

- مقبولیت بازار، مانند تغییر در درآمد ناشی از تغییر قیمت یا مقدار فروش کالا و خدمات و تولیدات جدید و دلایل این تغییرات.

- دلایل تغییر در نسبتهای مالی مانند نسبت تولید به عوامل آن.

- نوآوری مانند درصد درآمد که ناشی از تولیداتی می‌باشد که طی سه سال گذشته وجود نداشت یا درصد کاهش در هزینه‌ای که ناشی از روش جدید تولید می‌باشد و دلایل آن.

- سودآوری مانند نسبت سود خالص به فروش و دلیل تغییرات این نسبت.

- تغییرات در وضعیت مالی مانند دوره فروش و دلایل تغییرات در این دوره.

- قدرت نقدینگی و انعطاف‌پذیری مالی مانند نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام و دلایل تغییر در این نسبت.

- شناسایی و تاثیر معاملات غیرمعمول و غیرمستمر و رخدادهایی که در صورتهای مالی درج شده است.

● وضعیت و آثار رویه‌ها و روشهای اساسی گذشته

- وضعیت اجتماعی، جمعیت، تکنولوژیکی، دانش فنی و وضعیت سیاسی، اقتصاد جهانی و مقرراتی که بر روی وضعیت تجاری شرکت تاثیر دارد باید توسط مدیریت شناسایی و بررسی گردد.

- آثار روند عملیات گذشته و تاثیر هر یک از

رویه‌های اشاره شده در بندهای قبلی که بر ارائه اطلاعات تاثیر می‌گذارد باید شناسایی شود.

اطلاعات فرانگر (مرتبط با آینده)

اگرچه اطلاعات مالی و غیرمالی که برای آینده شرکت تهیه شده برای تحلیلگران مالی مفید می‌باشد ولی چون استفاده‌کنندگان خود آنها را تهیه می‌نمایند، از این رو به دلیل هزینه و منفعت تهیه گزارشهای مذکور، ارائه آن ضروری نیست. اما اگر اطلاعات مذکور ارائه شود نباید جایگزین بخشهای دیگر مدل پیشنهاد شده تسلی می‌گردد و حداقل استانداردهای حسابداری همچون استانداردهای تدوین شده انجمن حسابداران خبره امریکا باید در گزارشها مزبور منظور گردد. در این‌گونه گزارشها عوامل زیر باید مورد توجه قرار گیرد.

● فرصتها و خطرات شامل مواردی که ناشی از روندهای کلیدی گذشته شرکت می‌باشد.

فرصتها و مخاطرات جزو روندهای مهم مذکور در بندهای قبلی می‌باشد مانند تقاضا، تعهدات، تمرکز و وقایع، جریان قانونی که مدیریت از آنها آگاهی دارد و در تهیه و ارائه گزارشهای مالی تاثیر دارد باید به عنوان عوامل مهم در درآمدهای اصلی آتی، سود خالص، گردش وجوه و یا آینده مالی شرکت در نظر گرفته شود.

● ماهیت هر یک از مخاطرات و فرصتها که معیار افشای مذکور در بند بالا را ارضا می‌کند و ماهیت تقاضا، تعهدات و یا رخدادهای از جمله مراحل قانونی موجود آن باید افشا گردند؛

● برای هر یک از فرصتها و خطرات که در بند بالا مشخص شده است آثار آن باید بر روی درآمدهای اصلی آتی و جریان وجوه نقد آتی ناشی از فعالیتهای اصلی در آینده مشخص گردد. برای هر یک از انواع

مخاطرات و فرصتها که بر روی عملیات شرکت تاثیر دارند باید اطلاعات و توضیحات جداگانه‌ای ارائه شود.

● افشای خطر نبود قدرت نقدینگی باید بر روی انعطاف‌پذیری مالی متمرکز گردد. یعنی عاملی که توانایی موسسات را برای مقابله با تامین جریانات نقدی آینده و تامین نیازها و استفاده از فرصتهای قابل پیش‌بینی و غیرقابل پیش‌بینی نشان می‌دهد به‌طور خلاصه افشای اطلاعات باید شامل موارد زیر باشد.

- شناسایی و توصیف منابع داخلی و خارجی، نقدینگی و منابع بااهمیت استفاده نشده از داراییهای جاری.

- توضیح هر نوع روند مساعد یا نامساعد، در نوع منبع، مبلغ، یا هزینه سرمایه‌ای که شرکت و یا بخشی از آن قادر به جذب آن می‌باشند.

- رخدادهای گذشته، تعهدات، وقایع و یا عدم اطمینان که مطلقاً بر روی قدرت نقدینگی شرکت و یا بخشها تاثیر می‌گذارد و باعث افزایش یا کاهش منابع می‌گردد باید شناسایی شوند. اگر کمبود منابع شناسایی و مشخص شود، شرکت و بخش مربوط اقدامات لازم جهت تامین آن و اصلاح وضعیت به عمل خواهد آورد.

● ضوابط و معیارهایی که فرصتها و خطرات می‌باید داشته باشند تا افشا شوند. همان‌گونه که در بندهای قبلی ذکر شده شرکتها باید اطلاعات مربوط به هر یک از فرصتها و مخاطرات را افشا و در تاریخ گزارش ارائه نمایند؛

● افشای موارد مربوط به زمان حاضر، فرصتها و مخاطرات نباید کلاً آینده را در نظر بگیرند.

جنبه‌های مهم

جایی که روند، تعهد، تمرکز، یا رخداد وجود دارد مدیریت باید سه عامل را مورد توجه قرار دهد:

احتمال وقوع، اندازه تاثیر بالقوه آن، و سرعت تاثیر بالقوه آن. افشای اطلاعات در صورتی مفیدتر خواهد بود که:

● احتمال، روند، تعهدات، تمرکز و یا اتفاقات رشد شرکت افزایش یابد؛

● اندازه تاثیر بالقوه بر وضعیت مالی، درآمد حاصل از عملیات اصلی، سود خالص، کل درآمد یا جریان گردش وجوه افزایش یابد؛

● وقتی که احتمال وقوع یا تاثیر بالقوه آن وجود داشته باشد؛

● افشا هنگامی لازم است که اطمینان حاصل شود تعهدات، تقاضاها یا روند عملیات و اتفاقات مفید بوده و اثر بالقوه آن حداقل بااهمیت باشد.

● وقتی که احتمال وقوع حوادث بعید باشد، عموماً افشا ضرورتی ندارد. اما اگر اندازه اثر بالقوه قابل توجه باشد، مانند آنچه تداوم فعالیت شرکت را تهدید می‌کند باید افشا گردد.

● وقتی که اثر اتفاقات بالقوه باعث تغییرات در خور توجهی بر روی عملیات شرکت می‌گردد و یا اگر درجه احتمال وقوع بزرگتر از بعید است، افشای آنها باید صورت پذیرد.

● احتمال وقوع رخداد در بین سایر عوامل از اهمیت کمتری برخوردار است، عموماً افشای این موارد برای مخاطرات و فرصتهایی که می‌تواند در روند عملیات قابل پیش‌بینی آینده تاثیر داشته باشد نباید از یک دوره سه ساله از تاریخ ترازنامه بیشتر باشد.

● مدیریت ممکن است که توان تشخیص احتمال وقوع، اندازه اثر احتمالی و سرعت تاثیر اتفاقات مهم و یا وقایع را نداشته باشد. در صورتی که مدیریت توان شناسایی آنها را نداشته باشد، باید ارزیابی کند که با فرض احتمال وقوع، افشا مفید است یا نه؟

• افشای موارد خاص و یا غیرمعمول

مخاطرات و فرصتهای غیرمعمول در خصوص روند عملیاتی مهم، تقاضا، تعهدات تمرکز و یا اتفاقات غیرمعمول که مشخصاً با وضعیت موجود عملیاتی شرکت متفاوت است باید افشا گردد.

• کمک به آگاهی از جریانات گردش وجوه یا درآمدها

- عدم افشا در مورد موارد مطرح شده ممکن است بر توانایی استفاده کنندگان و سرمایه‌گذاران جهت تخمین جریان وجوه نقد و درآمد آینده تاثیر بگذارد.

- گزارشها باید محدود به مخاطرات و فرصتهای شناسایی شده توسط مدیریت در روند عملیات شرکت باشد.

در شناسایی فرصتها و خطراتی که برای افشا لازم است شرکتها باید انواع مختلف فرصتها و مخاطرات زیر را مورد توجه و شناسایی قرار دهند.

• فرصتها و خطراتی که ناشی از مشارکت در صنایع دیگر می‌باشد؛

• فرصتها و خطرات ناشی از تغییر در ساختار بخشهای مختلف صنعتی شرکت که ترکیب ساختار آن صنعت در بندهای قبلی مشخص شده است؛

• فرصتها و خطراتی که ناشی از تمرکز به روی بخشی از واحد تجاری می‌باشد (مانند تمرکز به روی داراییها، مشتریان) و یا تامین کنندگان مواد اولیه؛

• خطر نبود نقدینگی؛

• سود یا زیان احتمالی که مربوط به حقوق و وظایف شرکت می‌باشد یعنی محدودیتهای قانونی.

برنامه‌های مدیریت و عوامل اساسی موفقیت آن

۱- شناسایی فعالیتها و برنامه‌های مدیریت

برای دستیابی به هدفهای بلندمدت و استراتژیک شرکت که در بندهای قبل معرفی شده است و مدیریت اعتقاد دارد که آنها آثار بااهمیتی در جریان نقدی آتی شرکت دارند.

۲- ماهیت و اهمیت عوامل و شرایطی که مدیریت معتقد است باید مهیا شود تا هدفهای بلندمدت و استراتژیک تعیین شده حاصل شود و برای تحقق این امر دو عامل زیر مهم است.

- عوامل و شرایطی که باید در محیط داخل شرکت به وقوع بپیوندد.

- عوامل و شرایطی که باید در محیط بیرون از شرکت به وقوع بپیوندد.

مقایسه بین عملکرد واقعی شرکت که قبلاً گزارش شده با فرصتها، مخاطرات و برنامه‌های مدیریت:

- فرصتها و مخاطراتی که در روند عملیات شرکت وجود داشته است.

- برنامه‌های مدیریت شامل عوامل اساسی موفقیت آن می‌باشد.

اطلاعات در مورد مدیریت و سهامداران

• اعضای هیئت مدیره، مدیران، سهامداران عمده، پاداش مدیران و معاملات و روابط بین اشخاص وابسته.

- مشخصات و سوابق مدیران عامل و مدیران اجرایی مشخص شود.

- ارائه اطلاعات سوابق مدیران اجرایی. در صورتی که برای پنج سال در همان موقعیت شغلی قرار داشته باشند ضروری نیست.

- ماهیت هر محکومیت جزایی مربوط به هیئت مدیره و مدیران اجرایی باید افشا شود.

• نوع و مبلغ پاداش پرداخت شده به هیئت مدیره و مدیران اجرایی و روش و فرمول محاسبه این پاداشها باید افشا شود.

سیاستهای هیئت مدیره جهت پرداخت

پاداش به مدیران و رابطه عملکرد شرکت و پرداخت پاداش نیز باید مشخص گردد.

• اطلاعات مربوط به سهامداران

- مشخصات هر یک از سهامداران عمده شرکت و تعداد سهامی که هر یک دارا می‌باشند.

- تعداد سهام تحت مالکیت گروه هیئت مدیره، گروه مدیران اجرایی و گروه کارکنان شرکت.

- ماهیت ترکیب مالکیت سهام که ممکن است به تغییر در اداره شرکت منجر شود.

- معاملات و روابط میان سهامداران عمده، هیئت مدیره، فروشنندگان مواد اولیه، مشتریان و رقبای شرکت.

- ماهیت اختلاف مدیران عامل و شرکت، حسابسان مستقل و بانکها و مشاور قبلی که هم اکنون با شرکت رابطه‌ای ندارد.

- اطلاعات در مورد ترکیب کمیته پاداش و نحوه مشارکت کارمندان در تصمیم‌گیری پرداخت پاداش.

سابقه و پیشینه شرکت

همان‌گونه که قبلاً بیان شد اطلاعات غیرمالی برای شناخت عمومی شرکت و صورتهای مالی آن، ارتباط بین رخدادهای آثار مالی آن اتفاقات بر روی شرکت که برای پیش‌بینی وضعیت آینده شرکت مهم و مفید می‌باشند. این‌گونه افشای اطلاعات غیرمالی ماهیتاً کیفی می‌باشند همچنین شرکتها افشای اطلاعات کیفی را همراه با اطلاعات کمی که عملاً قابل فهم بوده و به اندازه کافی برای استفاده کنندگان بیرونی قابل اعتماد باشد، ارائه می‌نمایند. در شرایطی که افشای اطلاعات غیرمالی برای شناخت عمومی از شرکت مفید نباشد و یا در درک وضعیت مالی بی‌تاثیر باشد افشای آنها ضرورتی ندارد.

هدفهای بلندمدت و استراتژیها

• هدفهای بلندمدت

- هدفهای بلندمدت مدیریت برای آینده

تامین‌کننده مواد و تاثیر منفی از دست دادن هر یک از تامین‌کنندگان مواد بر روی شرکت باید مشخص گردد.

- در حد امکان معیارهای مربوط به نحوه ارزیابی قدرت چانه‌زنی شرکت با عرضه‌کنندگان مانند تعداد عرضه‌کنندگان مواد در دسترس و قدرت تحمل افزایش و یا کاهش قیمت مواد مورد مصرف توسط شرکت مشخص شود.

• قدرت چانه‌زنی مشتریان

- میزان پراکندگی مشتریان شرکت و حدود مذاکرات که باید در خصوص میزان این پراکندگی‌ها باشد. برای مثال شرکتها باید جدولی در خصوص تعداد مشتریان براساس مقدار فروش از بیشترین تا پایین‌ترین فروش که ۱۰ درصد یا ۲۵ درصد درآمد از آنها تامین می‌شود تهیه و ارائه نمایند.

- مشخصات مشتریان شاخص (عمده) شرکت.

- در صورت امکان قدرت چانه‌زنی مشتریان ارزیابی گردد. این ارزیابی می‌تواند شامل تاثیر افزایش و یا کاهش بهای محصولات اصلی که مشتریان از آن سود و زیان دیده‌اند باشد.

• قدرت رقبا در صنعت مربوط.

- پراکندگی رقبا شامل تعداد آنها و نام رقبای عمده.

- در صورت امکان ارزیابی قدرت رقبا، برای مثال در تغییر مکرر قیمت‌ها پاسخگویی به رقبا در ارتباط با این تغییرات و تعداد مشتریانی که از طرف رقبا جذب شرکت شده‌اند و یا عکس آن ظرفیت به کار گرفته شده و شرکتیایی که دارای قراردادهای عمده می‌باشند.

منبع

گزارش مطالعاتی کمیته ویژه حسابرسان خبره امریکا

دوره‌ای هر بخش از صنعت.

- قوانین و مقررات موجود یا پیشنهادی که مدیریت معتقد است بر روی شرکت تاثیر دارند یا خواهند داشت.

- تشریح دوره زمانی امتیازات، علایم تجاری، گواهی‌نامه‌هایی که به شرکت برتری رقابتی می‌بخشد و تخفیفات اعطایی به مشتریان.

- توضیح فعالیت‌هایی که حالت کلان اقتصادی دارند. مانند مسکن‌سازی یا هزینه دفاعی که مدیریت معتقد است با سود و هزینه شرکت و نیز با کسب درآمد شرکت همبستگی نزدیکی دارند البته استفاده‌کنندگان گزارشها می‌توانند به‌طور مستقل اطلاعات مربوط به ارزش فعالیت‌های کلان اقتصادی را از منابع بیرون از شرکت تهیه نمایند.

- توضیح قراردادهای عمده بین شرکت و مشتریان و تامین‌کنندگان مواد اولیه.

- محل استقرار، طرز کار، ظرفیت تولید و حداکثر بهره‌دهی دستگاهها و تجهیزات اساسی و داراییهای فیزیکی دیگر.

تاثیر ساختار صنعت بر روی شرکت

• اطلاعات مدیریت در مورد تغییرات فن‌آوری و تغییرات مربوط به قوانین جامعه که ممکن است بازارهای شرکت را با ارائه تولیدات و خدمات جدید توسط دیگران (رقبا) تحت تاثیر قرار دهد.

• توان چانه‌زنی تامین‌کنندگان مواد اولیه شرکت.

- هویت انواع منابع مهم و تامین‌کنندگان مواد.

- جمع‌آوری اطلاعات هر یک از فروشندگان مواد اولیه و امکان وجود و عرضه و قدرت چانه‌زنی برای تامین این مواد با فروشندگان مواد اولیه و اتکا و اعتماد شرکت بر روی یک و یا چند

شرکت شامل هدفهای مقداری قابل ارزیابی مثل فروش.

• استراتژیها

- راهکارهای مدیریت جهت دستیابی به هدفهای بلندمدت.

- بحث در مورد همخوانی یا تناقض راهکارها با روند عملیات اصلی که بر وضعیت شرکت تاثیر دارند.

قلمرو فعالیت و توصیف شرکت و داراییها و اموال

موارد زیر که شامل همه موارد نیست ممکن است جایگزین بسیاری از قسمتهای گزارشهای کنونی شرکت‌های عمومی پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار گردد که باید افشاگردند.

- توضیح مدیریت در مورد صنعت و صناعی که شرکت در آن فعالیت می‌نماید.

- تشریح رشد عمومی شرکت، برای مثال ایجاد شعب در صورتی که در ۵ سال آخر تاسیس شده باشند، ساختار سازمانی، شناسایی رخدادهای مهم ۵ سال اخیر مانند ورشکستگی، ادغام، فروش داراییها و تغییرات در نحوه اداره شعب شرکت.

- تشریح تولیدات و خدمات اصلی عرضه شده

- توضیح بازارهای عمده و بازارهای منطقه‌ای (برمبنای جمعیت، منطقه جغرافیایی مصرف یک نوع تولید یا مبانی دیگر) که توسط بخشهای مختلف شرکت تامین کالا و خدمات می‌گردند.

- توضیح مراحل تولید یا ارائه کالاها و خدمات عمده.

- تشریح عوامل اصلی ورودی در تولید شامل، نیروی انسانی، مواد و سرمایه.

- توضیح روشهای توزیع و تحویل کالا و خدمات عمده.

- توضیح تولیدات و خدمات فصلی و

تولد انجمن صنفی مؤسسات حسابرسی، خدمات مالی و حسابداری

حسابداری و مالی و مؤسسات مشاوره مالی در صورتی که دارای یکی از شرایط زیر باشند می توانند به عضویت انجمن درآیند:

● دارای شرایط عمومی عضویت در انجمنهای صنفی باشند؛

● موضوع فعالیت این مؤسسات طبق اساسنامه آنها صرفاً فعالیت در زمینه حسابرسی، حسابداری یا خدمات مالی و طبق قوانین جاری به ثبت رسیده باشد؛

● موسسه یا حداقل یکی از شرکا یا مدیران آن دارای یکی از عناوین زیر باشند:

- عضویت در جامعه حسابداران رسمی ایران؛

- اشخاص مورد تایید سازمان حسابرسی، بورس اوراق بهادار یا سایر مراجع ذیصلاح؛

- عضویت در انجمن حسابداران خبره ایران؛

- کارشناس حسابداری و حسابرسی عضو کانون کارشناسان رسمی دادگستری؛

- عضویت در یکی از انجمنهای حسابداری و حسابرسی معتبر داخلی و خارجی.

دبیرخانه انجمن واقع در تهران خیابان شهید دکتر بهشتی خیابان اندیشه اصلی شماره ۵۲ است. دسترسی به دبیرخانه با تلفن ۰۲۱۳۴۰۸۴۰ و فاکس ۰۸۴۲۸۲۰۶ و پست الکترونیکی afsais@hotmail.com امکان پذیر است.

انجمن حسابداران خبره ایران تولد این نهاد صنفی را تبریک می گوید و برای موسسان و اعضای آن، موفقیت در انجام رسالت اساسنامه ای خود را آرزومند است.

از اواخر سال ۱۳۷۳ در جهت حفظ حقوق صنفی مؤسسات حسابرسی، خدمات مالی و حسابداری کوششهایی به منظور تشکیل یک کانون صنفی به عمل آمده که حاصل و برآیند این فعالیتها سرانجام در تاریخ ۷۷/۱۲/۲۶ منجر به آگهی تاسیس انجمن صنفی مؤسسات حسابرسی، خدمات مالی و حسابداری توسط وزارت کار و امور اجتماعی گردید.

در همین راستا مجمع عمومی موسس انجمن پیشگفته در تاریخ ۷۸/۶/۲۱ در پی دعوت عام از کلیه مؤسسات حسابرسی، خدمات مالی و حسابداری علاقه مند عضویت تشکیل شد که در این جلسه اولین اعضای هیئت مدیره و بازرسان انجمن تعیین شدند. هدف اساسی انجمن حفظ حقوق و منافع مشروع و قانونی و بهبود وضع اقتصادی کارفرمایان حرفه حسابرسی، خدمات مالی و حسابداری بیان شده است. حوزه فعالیت انجمن سراسر کشور ایران و مرکز اصلی آن در تهران قرار دارد که پیش بینی گردیده در صورت گسترش فعالیتهای انجمن از جنبه های تعداد اعضا در مناطق مختلف حوزه جغرافیایی فعالیت و یا نوع فعالیت اعضا و همچنین چنانچه تفکیک انجمن و ایجاد کانونهای انجمنها به طور قانونی امکان پذیر باشد نسبت به تشکیل انجمنهای متعدد و تشکل آنها در کانون انجمنها اقدام شود. به استناد اساسنامه انجمن، کلیه مؤسسات انجام دهنده امور حسابرسی و اجرای وظایف بازرسی شرکتها و نیز مؤسسات ارائه دهنده خدمات اصلاح حساب و حسابداری، حسابرسی داخلی، تدوین نظامها و دستورالعملهای

هوشمندانه رهبری کنید

نرم افزار یکپارچه راهبر صنعتی:

- خرید
- فروش
- مشتریان
- انبار
- اموال
- قیمت تمام شده
- حقوق
- دفتر داری
- کدینگ حسابهها
- گزارشات مدیریت
- دفتر اسناد دریافتی و پرداختی

حسابداری مطمئن برای شما



مختار

شماره ان سیستم

تلفن : ۸۸۹۳۱۲۵

Sahel Saleh



انجمن حسابداران
خبره ایران



اتاق بازرگانی و صنایع
معادن ایران

دوره عالی حسابداری و مدیریت مالی و دوره های تکمیلی حسابداری و امور مالی

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران
بাহمکاری انجمن حسابداران خبره ایران برگزار می نماید:

دوره تکمیلی (۱)
حسابداری و امور مالی
حسابداری مالی
مباحثی از حسابداری مالی تکمیلی
حسابداری صنعتی
مدیریت مالی و بودجه
حسابرسی
قانون مالیاتهای مستقیم
قانون تجارت

دوره تکمیلی (۲)
حسابداری و امور مالی
حسابداری مالی پیشرفته (۱)
حسابداری مالی پیشرفته (۲)
حسابداری صنعتی (۲)
حسابداری مدیریت
کاربرد استانداردهای حسابداری
مدیریت مالی

دوره عالی حسابداری و
مدیریت مالی
کاربرد استانداردهای حسابداری
حسابداری مالی
حسابداری مدیریت
مدیریت مالی
حسابرسی
قانون مالیاتهای مستقیم
قانون تجارت

شرایط شرکت کنندگان

مدرک دیپلم متوسطه
و پنج سال سابقه کار
در حسابداری یا حسابرسی

مدرک دوره تکمیلی (۱)
حسابداری و امور مالی
یا فوق دیپلم و سه سال سابقه
کار در حسابداری یا حسابرسی

لیسانس حسابداری یا رشته های
مشابه و سه سال سابقه کار
حسابداری یا حسابرسی

مدت آموزش هریک از دوره های فوق ۲۶۰ ساعت

(فقط روزهای پنجشنبه از ساعت ۸ تا ۱۳)

محل ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر

خیابان فرصت جنوبی نرسیده به خیابان انقلاب کوچه نیکپور شماره ۶۶

مرکز آموزش کلاسهای کاربردی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران تلفن ۸۸۲۹۶۵۴

سرمایه گذاری، ارزش متعارف، فروپاشی ...

تصویر وضعیت جاری شرکت را ناقص، تحریف شده و نامناسب جلوه دهد. به عنوان نمونه فرضاً شرکتی که قسمت اعظمی از داراییهای خود را از طریق وام تامین مالی نموده باشد، حال بر طبق روش ارزش متعارف، یک تغییر با اهمیت در نرخ بهره باعث کاهش ارزش بدهیهای ثبت شده می‌گردد و در ادامه آن برای حفظ توازن حقوق صاحبان سهام افزایش می‌یابد. در حالی که داراییها کماکان با استفاده از روش بهای تاریخی گزارش می‌گردند. حال اگر ارزش متعارف این گونه داراییها هم کاهش یابد، نتیجه آن خواهد شد که حقوق صاحبان سهام اغراق‌آمیز گزارش شود. شاید نتیجه همه این بحثها این باشد که ارزش متعارف نباید مورد استفاده قرار گیرد، مگر آنکه بتوان آن را برای کل ترازنامه به کار برد. آیا استفاده از بهای تاریخی حقوق صاحبان سهام را به نحو صحیح‌تری نشان نمی‌دهد؟ حال به مسئله از دیدگاه دیگری می‌نگریم. فرض کنید به هر طریقی که شده بتوان ارزش متعارف کلیه داراییها و بدهیها (و در نتیجه حقوق صاحبان سهام) را برآورد کرد. اگر بتوان به چنین مهمی دست یافت، گام بعدی ارائه و وارد کردن آنها در ترازنامه است. این استدلال که تمامی ایرادات و نقاط ضعف ترازنامه در ارائه صحیح ارقام را نمی‌توان با این شیوه برطرف نمود و نهایتاً موجب تحریف اطلاعات و ترازنامه می‌گردد، دلیلی بر آن نیست که بپذیریم ترازنامه‌ای بر اساس بهای تاریخی موجب گمراهی کمتر برای استفاده‌کنندگان می‌باشد. اما این یک واقعیت است که ارائه ارزش متعارف جایی که امکان پذیر باشد، مسلماً ترازنامه‌ای را ارائه می‌دهد که اطلاعات بهتری را فراهم می‌کند. اگر ترازنامه‌ای کلاً بر اساس بهای

تاریخی تهیه و ارائه شود، استفاده‌کننده مجبور است تعدیلاتی را در ارقام گزارش شده برای به دست آوردن ارزش جاری و نهایتاً وضعیت مالی شرکت به عمل آورد. اگر استفاده‌کننده این نیاز را احساس کند، افشای ارزش بازار جایی که امکان‌پذیر و در دسترس باشد موجب می‌گردد که تعداد ارقام تعدیل شده کمتر و در نتیجه میزان مفید بودن و قابلیت اتکای گزارش مالی افزایش یابد.

مربوط بودن اطلاعات

بی‌شک اعتقاد همگان بر آن است که اندازه‌گیری بر اساس ارزش متعارف، اطلاعات مربوط‌تری را فراهم می‌نماید، به خصوص اگر شرکت در آینده نزدیکی مجبور به تسویه و انحلال باشد. هر چند نباید اذعان نمود بر طبق فرض تداوم فعالیت، انتخاب بهترین روش ارزیابی چندان کار ساده‌ای نیست. به عنوان نمونه فرض نمایید شرکتی اوراق قرضه‌ای را برای سرمایه‌گذاری خریداری نموده است و قصد دارد آن را تا سررسید نگهداری نماید. باید توجه داشت که تغییرات در ارزش بازار هیچ گونه تاثیری بر جریان‌های نقدی آتی ندارد و در پی آن ممکن است برای استفاده‌کننده اطلاعات زیاد مربوطی نباشد. بنابراین می‌توان گفت یک مزیت احتمالی که بهای تاریخی دارد آن است که "آثار رویدادهای خارجی که تاثیری بر جریان‌های نقدی آتی ندارد را منعکس نمی‌نماید".

از طریق دیگر، ارزش متعارف تصویر صحیح‌تری از نتایج تصمیمات گذشته مدیریت در شرایط جاری فراهم می‌کند. ضمناً همین روش مطابقت بیشتری با بیانیه مفاهیم حسابداری مالی^۱ شماره ۵ در مورد شناسایی درآمد دارد (این بیانیه معتقد

است درآمد باید زمانی شناسایی شود که تحقق یافته و یا قابل تحقق و به دست آمده باشد). حال اگر ارزش اوراق بهادار بدهی که به عنوان سرمایه‌گذاری خریداری شده‌اند به علت کاهش در نرخ بهره، افزایش یابد، پس می‌توان نتیجه گرفت که درآمدی قابل تحقق است و بنابراین به دست خواهد آمد. به تعویق انداختن شناسایی این درآمد به وسیله روش بهای تاریخی با اصول بیانیه مفاهیم حسابداری مالی شماره ۵ مغایرت دارد. در مورد شناسایی زیان نیز به علت افزایش نرخ بهره همین مورد صادق است.

حال فرض نمایید اوراق قرضه‌ای به وسیله شرکتی نگهداری و یا صادر شده باشد که نمی‌تواند آنها را به ارزش متعارف تسویه نماید. به عنوان نمونه ممکن است قسمت اعظم این اوراق برای طرحهای بازنشستگی و به قصد نگهداری تا سررسید خریداری شده باشد. حال اگر نرخ بهره افزایش یابد، آیا باید شرکت صادرکننده برای تمامی این اوراق حتی اگر نتواند همه آنها را بازخرید نماید، سود قابل تحقق شناسایی نماید، یا سود متناسبی از آن را؟ نکته کلیدی این است که ارزش فعلی جریان‌های نقدی آتی اطلاعات مربوط‌تری نسبت به جریان‌های نقدی تنزیل نشده ارائه می‌کند. روش بهای تاریخی در این مورد به دلیل عدم شناسایی تغییرات در ارزش فعلی سکوت اختیار می‌کند.

مزیت دیگری که برای روش ارزش بازار قائل است، آن است که موجب بالا رفتن قابلیت مقایسه صورتهای مالی شرکت‌های مختلف می‌شود.

قابلیت اتکای اطلاعات

بیانیه مفاهیم حسابداری مالی شماره ۲، سه ویژگی برای قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری بر می‌شمرد.

۱- قابلیت رسیدگی؛

۲- ارائه منصفانه؛

۳- بیطرفی.

همگان اعتقاد دارند اندازه‌گیری بهای تاریخی عموماً قابلیت رسیدگی بیشتری نسبت به ارزش جاری دارد. شاید این نخستین دلیلی باشد که حسابداران حرفه‌ای تصمیم به کنار گذاشتن این روش ندارند. مهمترین مسئله در ارتباط با ارزش متعارف، ذهنی بودن برآورد ارزشهای جاری برای بسیاری از داراییها و بدهیها می‌باشد. بر طبق نظریات ارائه شده در بیانیه مفاهیم حسابداری مالی شماره ۱۱۵، اعتقاد بر آن است که برآورد منطقی ارزش متعارف اوراق بهادار بدهی، حتی اگر بازار قابل فروش نداشته باشند، با استفاده از روشهایی نظیر تجزیه و تحلیل جریانات نقدی تنزیل شده امکان‌پذیر است. ضمناً اگر روشهایی مانند روش پیشگفته برای ارزش متعارف سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار بدهی میسر باشد، چرا نباید از همین روش برای ارزش متعارف بدهیها در قسمت چپ ترازنامه استفاده نمود؟ هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی در این مورد سکوت اختیار نموده است.

منظور از ارائه منصفانه در واقع یک رابطه تنگاتنگ بین ارقام حسابداری و رویدادها و منابعی که این ارقام به آنها مفهوم بخشیده‌اند، می‌باشد. هر دو روش اندازه‌گیری ارزش متعارف و بهای تاریخی قصد ارائه منصفانه را دارند، اما آنها دو چیز کاملاً متفاوت را ارائه می‌کنند (ارزش جاری در مقابل بهای تاریخی). مسئله‌ای که در گزارشگری مالی دارای اهمیت است، مربوط بودن اطلاعات می‌باشد. نهایتاً می‌توان گفت با در نظر گرفتن مسئله بی‌طرفی شاید هر دو روش اندازه‌گیری باید به نتایج مساوی و برابر برسند.

تعیین درآمد و هزینه

اگر اوراق قرضه به روش ارزش متعارف ارائه شود، درآمد یا هزینه دوره را می‌توان با

استفاده از تفاوت بین ارزش اوراق قرضه در اول و آخر دوره (یا تاریخ تسویه، در صورتی که اوراق بهادار در طی دوره تسویه شوند) و تعدیلات مربوط به هر گونه دریافت و پرداخت محاسبه نمود. در پایان هر دوره، ارقام ترازنامه بر اساس ارزش بازار تعدیل می‌شود.

جمع درآمد یا هزینه آثار نرخهای متفاوت بهره، تغییرات در نرخهای شرکتها را به خصوص به دلیل تغییرات ویژگیهای ریسک‌پذیری شرکت و هر گونه جریانات نقدی طی دوره منعکس می‌نماید.

تقسیم درآمد یا هزینه یک دوره به بهره و سود و زیان ناشی از نگهداری تا حدودی یک تخصیص اختیاری است که اهمیت چندانی ندارد به‌عنوان نمونه، از دیدگاه صادرکننده، تغییر در ارزش متعارف علاوه بر پرداخت نقدی طی دوره نشان‌دهنده جمع هزینه‌های مالی است. هر چند بهره را می‌توان با استفاده از شیوه‌هایی که هم اکنون در حسابداری بهای تاریخی مورد استفاده است، محاسبه نمود اما نرخ صحیح بهره چندان مشخص نیست. همچنین پیشنهاد شده است جهت جلوگیری از هر گونه گمراهی استفاده‌کنندگان بهتر است اصطلاح هزینه مالی اوراق قرضه به کار رود.

یک تصویر اقتصادی بهتر

شاید بسیاری از حسابداران اعتقاد داشته باشند، ارائه ترازنامه براساس ارزش متعارف بهترین و مفیدترین روش برای ارائه اطلاعات مربوط است، اما باید در کنار این مسئله توجه داشت که فقدان قابلیت اتکای این روش مسائل دیگری را ایجاد می‌کند. به همین دلیل حتی کسانی که از روش ارزش متعارف دفاع می‌کنند هیچ‌گاه به‌طور قاطع معتقد نبوده‌اند که بهای تاریخی باید کنار گذاشته شود. جالب اینکه طرفداران بهای تاریخی نیز اعتقادی ندارند که ارائه اطلاعات به روش ارزش متعارف در هر

وضعیت و موقعیتی فاقد ویژگی قابلیت اتکا است.

شاید بتوان گفت استفاده از روش ارزش متعارف برای اوراق بهادار بدهی مناسب می‌باشد اما شایسته است پیچیدگیهایی که بر طبق استاندارد شماره ۱۱۵ به وجود می‌آید به نحوی اصلاح و حتی حذف گردد (مانند ارزیابی قصد مدیریت یا تصمیم‌گیری هنگامی که کاهش در ارزش به‌طور دائمی به وجود آید).

در نهایت تنها نتیجه‌ای که می‌توان از بحثهای فوق به دست داد آن است که "هر چند بعضی مسائل و مشکلات با اجرای این استاندارد و استفاده از روش ارزش متعارف به وجود می‌آید، اما مزایای این روش، به خصوص در ارائه اطلاعات مربوط، بر معایب آن برتری دارد. اتخاذ روش ارزش متعارف در نهایت می‌تواند واقعیات اقتصادی واحد تجاری را به نحو مناسب و مطلوبتری منعکس نماید."

پی‌نوشت

- 1- Financial Accounting Standards Board (FASB)
- 2- Accounting for Certain Investments in Debt and Equity Securities
- تاریخ اجرای این استاندارد، ۱۵ دسامبر ۱۹۹۳ می‌باشد.
- 3- Accounting for Certain Marketable Securities
- 4- Portfolio
- 5- Statements of Financial Accounting Standards (SFAS)
- 6- Marketable Debt Securities
- 7- Statement of Financial Accounting Concepts (SFAC)
- 8- Accounting for Nonrefundable Fees and Costs Associated with Originating or Acquiring Loans and Initial Direct Costs of Leases

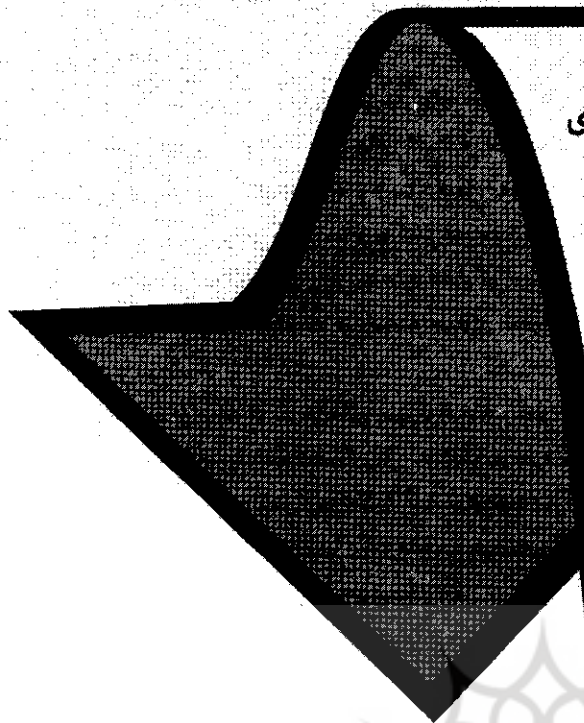
منابع

- 1- Kieso & Weygandt, "Intermediate Accounting", 8th ed. 1995. chap 18. P.879.
- 2- Ibid.
- ۳- برای مطالعه بیشتر به شماره ۷۴ از انتشارات سازمان حسابرسی "حسابداری سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت" مرداد ۶۶، چاپ اول بخش دوم، صفحه ۷۴ مراجعه نمایید.



شرکت کامپیوتری اهداف طراحی سیستم، خدمات مالی و کامپیوتر ۱۰ سال خدمات مستمر به ۶۰۰ سازمان

سهروردی جنوبی، بلاک ۶۷
کدپستی ۱۵۶۶۷
تلفن: ۸۷۰۸۸۳۲ - ۸۷۰۹۱۶۵
فاکس: ۸۷۰۹۱۶۵



بدون نرم افزارهای مناسب
بهترین کامپیوترها نیز پاسخگوی
نیاز شما نخواهد بود

ارائه سیستمهای مورد نیاز شما
توسط کارشناسان مالی و کامپیوتر

ویژگی نرم افزارهای ما:
سادگی اجراء،
ارتباط کامل،

گارانتی کامل و خدمات پس از فروش

- مدیریت حسابداری
- مدیریت فروش
- مدیریت حقوق و مزایا
- مدیریت انبارها
- مدیریت اموال
- مدیریت حسابداری صنعتی

- مدیریت امور مالی
- مدیریت امور اداری
- مدیریت سفارشات (داخلی، خارجی)
- مدیریت سهام
- مدیریت رزرواسیون هواپیمائی
- مدیریت صادرات

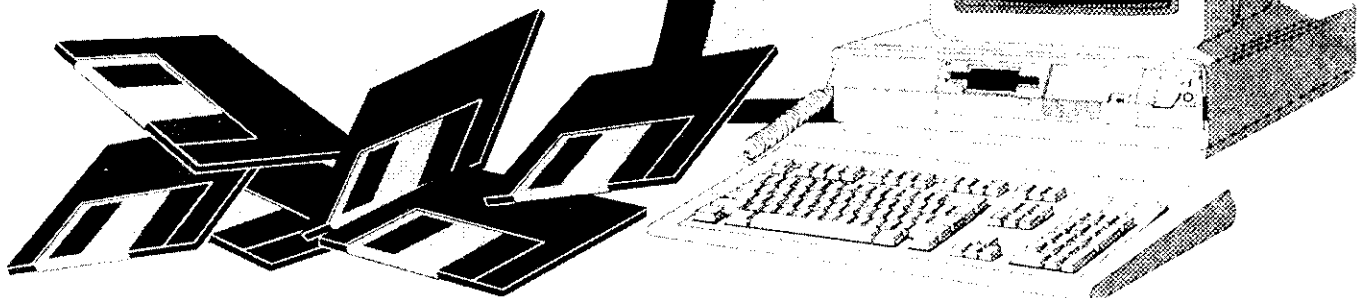
سیستم دبیرخانه و پیگیری

■ انتخاب نرم افزارهای مناسب

■ تسهیل در سیستم دستی

■ افزایش راندمان

■ تحقق اهداف مدیریت



توانایی نسبت‌های گردش و جوه نقد

نسبت کل وجوه نقد آزاد

صورت کسر مجموع سود خالص، هزینه بهره سرمایه‌ای و انتقالی به دوره‌های آتی، استهلاک داراییهای ثابت و نامشهود و اجاره عملیاتی و هزینه اجاره منهای مجموع سود سهام اعلام شده و مخارج سرمایه‌ای را در بر می‌گیرد. مخرج کسر مجموع هزینه بهره سرمایه‌ای و انتقالی به دوره‌های آتی، اجاره عملیاتی و هزینه اجاره، حصه جاری بدهی بلندمدت و حصه جاری تعهدات بلندمدت را در بر می‌گیرد.

تعاریف متفاوت از مخارج سرمایه‌ای می‌تواند موضوع را دچار ابهام نماید. چون تعاریف مختلف ارزش نسبت‌های وجوه نقد آزاد را نوسان می‌دهد، بهترین کار این است که تعریف مورد استفاده حسابرِس و علت تناسب آن با یک هدف به خصوص روشن گردد.

کل وجوه نقد آزاد*: معرف توانایی شرکت جهت ایفای تعهدات آتی نقدی

نمایند. به هر حال اگر حسابرِس علاقه بیشتری به توانایی بالقوه توسعه بلندمدت داشته باشد، در این صورت باید از مخارج سرمایه‌ای واقعی که از صورت گردش وجوه نقد استخراج می‌شود استفاده نماید.

نسبت کفایت گردش وجوه نقد

صورت کسر سود قبل از بهره و مالیات، استهلاک داراییهای ثابت و نامشهود منهای مالیات پرداختی (مالیات نقدی)، بهره پرداختی (بهره نقدی) و مخارج سرمایه‌ای را در بر می‌گیرد. مخرج کسر میانگین بدهیهای زمان‌بندی شده سالانه پنج سال آتی را شامل می‌شود. کفایت وجوه نقد به هموار کردن بعضی از عوامل دوره‌ای که نسبت مخارج سرمایه‌ای را با مشکل مواجه می‌سازد کمک می‌کند.

کفایت گردش وجوه نقد*: معرف کیفیت اعتباری شرکت

EBITDA - بهره پرداختی - مالیات پرداختی

- مخارج سرمایه‌ای

میانگین بدهیهای زمان‌بندی شده سالانه ۵ سال آتی

* این نسبتها نیازمند محاسبه خالص گردش وجوه نقد آزاد در شرکتها و صنایع مختلف است بنابراین باید آن طور که توصیه شده استفاده گردد نه به صورت مطلق.

هنگام سررسید تعهدات بدهی شرکت‌های دارای خالص گردش وجوه نقد آزاد نسبت به شرکت‌هایی که باید از منابع برون سازمانی استفاده نمایند ریسک اعتباری کمتری دارند. بنابراین کفایت وجوه نقد بالا به معنی کیفیت اعتباری بالا می‌باشد.

صاحبکار خود را بشناسید

به منظور شناخت کامل نقاطی که در آن سطوح نسبت‌های گردش وجوه نقد نیازمند بررسی بیشتر می‌باشند، حسابرِس باید از صنعت و تجارتي که صاحبکار در آن فعالیت می‌نماید آگاهی داشته باشد. مشابه سایر نسبتها، قبل از بررسی بیشتر، حسابرِس باید به توضیحات صاحبکار در مورد تغییرات نامطلوب نسبت‌های

سود خالص + هزینه بهره سرمایه‌ای و انتقالی به دوره آتی

+ استهلاک داراییهای ثابت و نامشهود + اجاره

عملیاتی و هزینه اجاره - سود سهام اعلام شده

- مخارج سرمایه‌ای

هزینه بهره سرمایه‌ای انتقالی به دوره‌های آتی + اجاره

عملیاتی و هزینه اجاره + حصه جاری بدهی بلندمدت

+ حصه جاری تعهدات اجاره سرمایه‌ای

* این نسبت نیازمند محاسبه خالص وجوه نقد آزاد شرکت می‌باشد.

چون خالص وجوه نقد آزاد با توجه به شرکت و خصوصیات صنعت

می‌تواند تغییر نماید. فرمول باید آن طور که توصیه شده

به‌کار رود نه به صورت مطلق.

به‌عنوان مثال، اگر حسابرِس بخواهد تعیین کند که آیا شرکت توانایی حفظ سطح فعلی عملیات را دارد یا خیر، در این صورت سرمایه‌گذاری جدید از رقم مخارج سرمایه‌ای کسر می‌گردد و مبلغ مخارج به مبلغ لازم جهت نگهداری داراییهای عملیاتی محدود می‌گردد. بعضی اوقات مخارج نگهداری را مخارج کمتر از ۲ درصد داراییها یا کمتر از ۵ درصد اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات تعیین می‌کنند. صنایعی با داراییهای سرمایه‌ای بلندمدت ممکن است درصد کمتری را جهت برآورد مخارج نگهداری استفاده

چهل سال بعد در همین روز

۲۱ فروردین ۱۴۱۹

لیست

منصور شمس احمدی

سراپتام لیست اعضای جامعه حسابداران رسمی منتشر شد. اعضای این لیست پانزده نفره، نخستین مجمع عمومی خود را به دلیل از قلم افتادن رکنی به نام مجمع عمومی اساسنامه در کنار پارک لاله سابق برگزار کردند. این گروه به اتفاق آرا خود را به عنوان اعضای دائمی شورای عالی، هیئت مدیره، هیئت نظارت و هیئت تصفیه انتخاب کردند. رئیس جامعه در سخنرانی افتتاحیه این نوید را داد که بزودی لایحه تشکیل وزارت حرفه تقدیم مجلس خواهد شد و با پذیرش مشروط جامعه به عضویت سازمان دهکده جهانی درهای بازار بین‌المللی خدمات حرفه‌ای به روی اعضا گشوده شده و اعضا می‌توانند به دلیل اشباع بازارهای داخلی، خدمات خود را بی‌دریغ به کشورهای خیلی وقت در حال توسعه و یا کشورهای در انتظار توسعه صادر نمایند. رئیس جامعه در مورد چگونگی سلامت اعضا اعلام کرد: سه نفر دچار بیگن تار یا شده‌اند (نوعی بیماری که بیمار دید اطراف را از دست می‌دهد و فقط می‌تواند جلو را ببیند). چهار نفر گرفتار ترس از دست دادن شغل، نوعی فوبیا یا ترس واهی شده‌اند و در دفتر خود را به روی هیپکس حتی صاحبکاران نیز باز نمی‌کنند. پنج نفر دچار بیماری آلزایمر شده‌اند و از جلد دوم کتاب آقای نبوی به بعد چیزی را به خاطر نمی‌آورند. سه نفر دیگر به دلیل اینکه در حال نوشتن آیین‌نامه‌های انضباطی و اداری برای بقیه هستند تا اطلاع ثانوی از پذیرش هر نوع کار حسابرسی عذر خواسته‌اند.

نقدی گوش فرا دهد. حسابرس باید نسبت به ارتباطات نقدی اساسی تجارت صاحبکار آگاهی داشته باشد.

ما این مطلب را القا نمی‌کنیم که حسابرس موظف به انتخاب یک فرمول و عددگذاری در آن است بلکه اگر نسبتهای گردش وجوه نقد به درستی به کار رود، در مرحله برنامه‌ریزی می‌توانند راهنمای خوبی برای حسابرس باشد و تصویر صحیح‌تری از شرکت به حسابرس ارائه دهد. حسابرس باید بتواند ادعا کند که آیا صورتهای مالی به طور مطلوب بر طبق استانداردهای پذیرفته شده حسابداری^{۱۸} بیان شده‌اند یا خیر؟ آنها باید در مورد صحت مبادلات و مانده‌های تلخیص شده در چهار صورت مالی و یادداشتهای پیوست متقاعد شوند. حسابرسان کارآمد می‌توانند از نسبتهای گردش وجوه نقد جهت بهبود شناختشان از روابط اساسی نقدی یک شرکت و طرح‌ریزی موثر حسابرسی استفاده نمایند.

پی‌نوشت

- 1- The power of cash flow ratios
- 2- Credit rating agencies
- 3- Junk bonds
- 4- Free cash flow ratios
- 5- Test of solvency and liquidity
- 6- Operating cash flow (OCF)
- 7- Funds flow coverage (FFC)
- 8- Cash interest coverage (CIC)
- 9- Cash debt coverage (CDC)
- 10- Total free cash (TFC)
- 11- Cash flow adequacy (CFA)
- 12- Cash to capital expenditures
- 13- Cash to total debt
- ۱۵- شرکت‌هایی که قسمت عمده سرمایه آنها را بدهی تشکیل می‌دهد (توضیح مترجم)
- 14- Earnings Before Interest Taxes Depreciation & Amortization (EBITDA)
- 15- Financial health
- 16- Net free cash flow (NFCF)
- 17- Generally Accepted Accounting Principles (GAAP)

منبع

Journal of Accountancy, Oct 1998, pp 53- 61

هموارسازی سود



شرکتها فاقد دارایی و قدرت سیاسی لازم برای سوددهی می‌باشند.

ح - روش بهای تمام شده و روش ارزش ویژه سرمایه‌گذاری

کاپلند (Copeland) در بحث روشهای قابل قبول جهت هموارسازی سود اظهار می‌دارد: "روش بهای تمام شده، روشی است که شرکت اصلی (مادر) سود شعبه‌ها را زمانی که توسط شعبه‌ها اعلام می‌شود شناسایی می‌کند و آن دو صورت است، سود واقعی سهام و سود غیرواقعی سهام. اما روش ارزش ویژه سرمایه‌گذاری، روشی است که شرکت اصلی (مادر) سود شعبه‌ها را نه تنها زمانی که توسط شعبه‌ها اعلام می‌شود شناسایی می‌کند بلکه سود و زیان سنواتی را نیز در بر می‌گیرد. تحقیقات انجام گرفته در سالهای اخیر بیانگر این موضوع است که هموارسازی سود در نقطه A انجام می‌شود." (نمودار ۱)

وظیفه مدیریت در هموارسازی سود رانن و سادن معتقدند مدیریت در هموارسازی سود وظیفه‌هایی به شرح زیر دارد:

اول - مدیریت می‌تواند در بیشتر مواقع، زمان رویداد وقایع حسابداری را تشخیص دهد.

دوم - مدیریت می‌تواند درآمدها و هزینه‌های خاصی را به دوره‌های دیگر مالی انتقال دهد. برای مثال، در محاسبه سود مدیر می‌تواند از بین روش خط مستقیم با روش سریع استهلاك، یک روش را انتخاب کند و استفاده نماید. اما استفاده از هر یک از این روشها، تاثیر متفاوتی بر سود دوره می‌گذارد.

سوم - احتمال دارد مدیریت درآمد و هزینه خاصی را بین طبقات مختلفی تقسیم نماید.

تحقیق ایکل با تحقیق ایم‌هاف تفاوت داشت، زیرا ایم‌هاف شرکت‌هایی را انتخاب کرد که تغییرات فروش آنها زیاد بود و استدلال وی نیز این بود که آن شرکتها، شرایط بد اقتصادی را تجربه نمودند. در ضمن ایم‌هاف معتقد بود هموارسازی ساختگی سود و هموارسازی واقعی سود به‌طور طبیعی از یکدیگر مستقل هستند. ولی ایکل سود خالص را به عنوان مقیاس اندازه‌گیری سود (شاخص ایکل) مورد بررسی و مطالعه قرار داد.

د - روش اقتصادی دوگانه (مضاعف) اوریت (Averit)، بلوستون و همکاران او (Bluestone et. al.) توضیح می‌دهند سرمایه‌داری امریکا (یا به عبارتی سرمایه‌داری هر کشوری) دارای یک اقتصاد دوبرخشی است که به بخشهای محوری صنعت و بخشهای جانبی صنعت تقسیم می‌شود. بخشهای محوری صنعت به صنایعی گفته می‌شود که بافت سیاسی و اقتصادی امریکا (یا هر کشوری) را در برگرفته و این بخش بیشترین منابع مالی را در بر می‌گیرد. از خصوصیات بخشهای محوری صنعت می‌توان به فعالیتهای تولیدی کالاهای باارزش، تولید کالاهای انحصاری، صنایع مادر، تجارت کالا به صورت عمده و سوددهی بالا اشاره کرد.

بخشهای جانبی صنعت به صنایعی گفته می‌شود که (تقریباً) خصوصیات بیان شده قبلی را ندارند. این نوع صنایع بخشهای کشاورزی کم‌بازده، صنایع تولیدی کم‌ارزش، خدمات غیرتخصصی و نیمه تخصصی را در بر می‌گیرند. از صنایع بخشهای جانبی می‌توان به شرکت‌های تولیدی کوچک با نیروی کار زیاد، سودآوری پایین و فعالیتهای تولیدی کالاهای کم‌ارزش اشاره نمود. در ضمن این

جهت هموارسازی سود از آن متغیر یا متغیرها استفاده نماید.

سوم - در بعضی از تحقیقات، تاثیر متغیر یا متغیرهای هموارسازی سود تنها برای یک دوره بررسی شده و از تاثیرگذاری میان دوره‌ای یا چند دوره‌ای آنها چشمپوشی شده است."

رانن و سادن نیز از این روش انتقاد کرده‌اند و دلیل آنها این است، که این نوع تحقیقات فاقد مدل می‌باشد. به این معنی که، چرا هموارسازی سود روی می‌دهد و زمانی که این عمل رخ می‌دهد باید آن را پیش‌بینی نمود.

ج - روش تغییرپذیری سود

در این روش ایم‌هاف (Imhoff) سعی کرد از اشتباه گرفتن هموارسازی ساختگی سودی که توسط مدیریت انجام می‌گیرد با هموارسازی واقعی سود (هموارسازی طبیعی سود) جلوگیری کند و آنها را از هم متمایز نماید. ایم‌هاف در ادامه اظهار می‌دارد: درآمد حاصل از فروش عملکرد اقتصادی یک موسسه را بیان می‌کند، از این رو اگر هموارسازی سود انجام گیرد هموارسازی واقعی سود خواهد بود. هموارسازی ساختگی سود را می‌توان به وسیله اختلاف سود با اختلاف فروش مقایسه کرد.

ایکل هموارسازی ساختگی سود را بررسی کرده و تحقیق او نیز به جداسازی نتایج حاصل از هموارسازی ساختگی سود از هموارسازی واقعی سود معطوف بود.

برای مثال، طبقه‌بندی کردن درآمدها و هزینه‌ها بین اقلام عادی و اقلام غیرمترقبه. هپورث به چهار وظیفه مدیریت در هموارسازی سود اشاره می‌کند که عبارت است از:

الف - مدیریت باید درآمد و هزینه‌هایی را که طی یک یا چند دوره مالی جهت تغییر در سود و هموارسازی آن به وجود می‌آید درست تشخیص دهد تا بتواند با این عمل بدهی مالیاتی بالای شرکت را کاهش دهد.
ب - برای افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه، مدیریت باید فعالیت شرکت را به‌طور مداوم سودآور منعکس نماید. چون سودآوری شرکت باعث (تقویت) تقسیم سود با ثبات نیز می‌گردد.
ج - مدیریت باید ارتباط بین خود و کارکنان را بهبود بخشد.
د - مدیریت می‌تواند خوش‌بینی و بدبینی حاصل از شرایط اقتصادی موجود در جامعه را نیز تعدیل نماید.

ترومن و تیت‌من اظهار می‌دارند: "وظیفه (نقش) مدیریت، حداکثر کردن ارزش فعلی جریان‌ات و جوه نقد برای بالا بردن ریسک طبیعی و عادی سهامداران شرکت می‌باشد."

نگاهی اجمالی به مطالعات و بررسیهای انجام گرفته

هپورث در سال ۱۹۵۳ انگیزه‌های مختلف برای هموارسازی سود را اظهار کرد و تکنیکهایی را در حسابداری ارائه نمود که می‌توانست سود را هموار کند. گوردون در سال ۱۹۶۴ بیان کرد: "مدیریت سود را هموار می‌کند تا رضایت سهامداران را نسبت به سودآوری شرکت افزایش دهد."

گوردون، هورویتز و میرس (Gorden, Horwitz and Meyers) در سال ۱۹۶۶ ارتباط بین رویه حسابداری بخشودگی مالیاتی سرمایه‌گذاری (ابزار هموارسازی سود) را با نرخ رشد سود هر سهم و بازده

سال چهاردهم شماره صد و سی و شش

صاحبان سهام (اهداف هموارسازی سود) بررسی کردند. نتایج به دست آمده ارتباط بااهمیتی را بین دو جزء نشان می‌دهد که از وجود هموارسازی سود حمایت و پشتیبانی می‌کرد. از طرف دیگر، داپخ و درک (Dopuch and Drake) در سال ۱۹۶۶ سود و زیان حاصل از فروش اقلام سرمایه‌ای را بررسی کردند و هموارسازی سود با اهمیتی را پیدا نکردند. آرچی بلد (Archibald) در سال ۱۹۶۷ روی روشهای استهلاک تحقیق کرده و هموارسازی سود در بین شرکتهای نمونه را تایید کرد.

کاپلند در سال ۱۹۶۸ از آنچه که یک طرح هموارسازی خوب باید داشته باشد تعریفی به دست داده و کشف کرد افزایش سربهای زمانی، هموارکننده‌های طبقه‌بندی نشده را کاهش می‌دهد.

کاپلند و لیکاسترو (Copeland and Licastro) در سال ۱۹۶۸ در تحقیقاتشان با عنوان عدم تلفیق شعب (شعب غیرتلفیقی)، به این نتیجه رسیدند که هموارسازی سود صورت نمی‌گیرد. کاشینگ (Cushing) در سال ۱۹۶۹ تحقیقی روی تغییر در خط‌مشی و اصول حسابداری نمود و به این نتیجه رسید که هموارسازی سود در بین شرکتهای نمونه انجام می‌گیرد.

داشر و مالکوم (Dascher and Malcom) در سال ۱۹۷۰ بیست و دو شرکت را در صنایع دارویی و شیمیایی بررسی کردند و کشف نمودند هموارسازی عمدی سود انجام می‌گیرد.

داشر و مالکوم روی اقلام غیرمترقبه نیز تحقیق کردند و، عمل هموارسازی سود در بین شرکتهای نمونه را گزارش دادند. وایت (White) در سال ۱۹۷۰ در تحقیقاتش با عنوان تصمیم‌گیری اختیاری از بین دو یا چند رویه حسابداری به این نتیجه رسید که هموارسازی سود صورت نمی‌گیرد. بارفیلد و کامیسکی (Barefield and Comiskey)

در سال ۱۹۷۲ حسابداری عدم تلفیق شعب (شعب غیرتلفیقی) را تحقیق نمودند (مشابه تحقیقات کاپلند و لیکاسترو در سال ۱۹۶۸) و شواهدی دال بر هموارسازی سود توسط شرکتهای را کشف کردند. نتایج به دست آمده توسط بیدلمن در سال ۱۹۷۳ نشان می‌دهد شرکتهای زیادی ابزارهای خاصی (همانند تبادل دارایی و بدهی، هزینه‌های بازنشستگی، هزینه‌های تحقیق و توسعه، هزینه‌های فروش و بازاریابی) را برای هموارسازی سود مورد استفاده قرار می‌دهند.

لو و کانیترکی در بررسی انجام گرفته از ۲۶۰ شرکت در سال ۱۹۷۴، کشف کردند که متغیرهای هموارکننده سود (همانند فروش، تولید، هزینه‌های سرمایه‌ای) هم با ریسک سیستماتیک و هم با ریسک کلی سهام (عادی) ارتباط بااهمیتی ندارند. هر چند، آنها ارتباط بین متغیرهای هموارکننده سود با عملکرد بازار سهام (عادی) را آزمایش نکردند.

بارنی، رانن و سادن و رانن و سادن در سال ۱۹۷۵ روی اقلام غیرمترقبه تحقیقی انجام دادند و هموارسازی سود در بین شرکتهای نمونه را گزارش کردند. رانن و سادن نیز در سال ۱۹۷۶ ابزارهای مختلف سود را آزمایش و هموارسازی بااهمیتی را کشف کردند. اسمیت (Smith) در سال ۱۹۷۶ با مقایسه تک تک شرکتهای تحت کنترل مالک و شرکتهای تحت کنترل مدیریت در زمینه تمایل آنها به هموارسازی سود به تحقیق پرداخت.

ایم‌هاف در سال ۱۹۷۷ اظهار داشت هموارسازی سود می‌تواند به واسطه مقایسه نسبت اختلاف فروش به اختلاف سود مطالعه شود. در تحقیقی از ۹۴ شرکت صنعتی، او شواهدی دال بر هموارسازی سود پیدا نکرد.

کامین و رانن (Kamin and Ronen) ۶۷ نیز در سال ۱۹۷۸ تحقیقی همانند تحقیق

- 7- Hendrikson, Eldon S., "Accounting Theory," 5 th ed. Homewood, Illinois: IRWIN, 1982.
- 8- Albrecht, W.D. and Richardson, F.M. (1990), 'Income Smoothing by Economy Sector,' *Journal of Business Finance & Accounting*, Winter, PP. 713 - 730.
- 9- Barefield, R.M. and Comiskey, E.E. (1972), 'The Smoothing Hypothesis: An Alternative Tests,' *Accounting Review*, April, PP.291 - 298.
- 10-Barnea, A.I. Ronen and Sadan. S.(1975), 'The Implementation of Accounting Objectives: An Application to Extraordinary Items,' *Accounting Review*, January, PP.58 - 68.
- 11-Beideman, C.R.(1973), 'Income Smoothing: The Role of Management,' *Accounting Review*, October, PP. 653 - 667.
- 12-Copeland, R.M. and Licastro, R.D. (1968), 'A Note on Income Smoothing,' *Accounting Review*, July, 540-545.
- 13-Gordon, M.J. (1964), 'Postulates, Principles and Research in Accounting,' *Accounting Reevew*, April, PP. 251-263.
- 14-Michelson, S.E., Jordan - Wagner, J. and Wootton. C.W. (1995), 'A Market Based Analysis of Income Smoothing,' *Journal of Business Finance & Accounting*, December, PP.1179 - 1193.
- 15-Moses, O.D. (1987), 'Income Smoothing and Incentives: Empirical Tests Using Accounting Changes,' *Accounting Reevew*, No.2, April, PP. 358-377.
- 16-Smith, E.D. (1976), 'The Effect of the Separation of Ownership From Control on Accounting Policy Decisions,' *Accounting Reevew*, No.4, October, PP. 707 - 723.
- 17-Suh, Y.S. (1990), 'Communication and Income Smoothing Through Accounting Method Choice,' *Management science*, No.6, June, PP. 704 - 723.
- 18-Trueman, B. and Titman, S. (1988), 'An Explanation for Accounting Income Smoothing,' *Journal of Accounting Research*. VOL.26, Supplement, PP.127 - 143.

به همان هدف (یعنی هموارسازی سود) استفاده می‌کند.

آلبرشت و ریچاردسون (Albrecht and Richardson) نیز در سال ۱۹۹۰ در تحقیقی که از ۱۲۸ شرکت در بخش محوری صنعت و ۱۲۸ شرکت دیگر در بخش جانبی صنعت انجام گرفت ابراز داشتند نتایج اعلام شده از سوی بلکویی و پیکور در سال ۱۹۸۴ به اندازه شرکتها بستگی دارد. آشاری و همکاران او در سال ۱۹۹۴ در تحقیقی از ۱۵۳ شرکت پذیرفته شده در بازار بورس سنگاپور برای یک دوره ده ساله، نتیجه گرفتند که هموارسازی سود در بین شرکتهایی که به عنوان نمونه انتخاب شده بودند صورت می‌گیرد.

پی‌نوشت

- 1- Income Smoothing Or Smoothing Income
- 2- Earnings Per Share (EPS)
- 3- Securities and Exchange Commission (SEC)
- 4- First- In, First- Out (FIFO)
- 5- Last- In, First- Out (LIFO)

منابع

- 1- Leopold A. Bernstein., PP.724 - 726
- 2- Kohler's Dictionary for Accountants
- 3- Ashari, N., Koh, H.C., Tan, S.L. and Wong, W.H. (1994), 'Factors Affecting Income Smoothing Among listed Companies In Singapore,' *Accounting and Business Research*, No. 96, Autumn, PP. 291 - 301
- 4- Bernstein A. Leopold., "Financial Statement Analysis: Theory, Application, and Interpretation," 4th ed. Homewood, Illinois: Richard D. IRIWN, INC. 1989.
- 5- Cooper, W.W. and Igiri, "Kohler's Dictionary for Accountants," 6 th ed. Prentice Hall, Inc., Englewood Cliffs, 1983.
- 6- Zimmerman, Jerold L. and Ross L.W., "Positive Accounting Theory," New Jersey: Prentice Hall, Inc., Englewood Cliffs, 1986.

انجام گرفته توسط اسمیت در سال ۱۹۷۶ انجام دادند و به همان نتیجه مشابه دست یافتند.

در تحقیقی که توسط راتن و سادن در سال ۱۹۸۱ انجام گرفت آنها به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های در صنایع مختلف سودهایشان را با درجات مختلفی هموار می‌سازند. خصوصاً بیشترین هموارسازی سود را در صنایع نفت و گاز و صنایع دارویی کشف کردند. هر دو این صنایع از صنایعی بودند که تحت بررسی و رسیدگی دقیق قرار می‌گرفتند.

ایم‌هاف در سال ۱۹۸۱ تایید کرد مدل به کار گرفته شده برای هموارسازی سود، ارتباط با اهمیت در زمینه شناخت نمونه‌های هموارکننده سود دارد. در تحقیقی روی ۶۲ شرکت صنعتی در یک دوره زمانی ۲۰ ساله، ایکل فقط دو شرکت را پیدا کرد که هموارسازی سود انجام می‌دادند.

بلکویی و پیکور (Belkaoui and Picur) در سال ۱۹۸۴ در بررسی از ۱۱۴ شرکت موجود در بخش جانبی صنعت و ۵۷ شرکت موجود در بخش محوری صنعت، به این نتیجه رسیدند شرکت‌های موجود در بخشهای جانبی صنعت از شرکت‌هایی که در بخشهای محوری آن صنعت قرار دارند سود را بیشتر هموار می‌کنند. موزز در سال ۱۹۸۷ کشف کرد هموارسازی سود به اندازه شرکتها، اختلاف سود واقعی از سود مورد انتظار و طرحهای مربوط به پاداش بستگی دارد. نتایج به دست آمده با نتایج مطالعاتی که توسط هیلی (Healy) در سال ۱۹۸۵ انجام گرفت موافق بود. مه (Ma) در سال ۱۹۸۸ نتیجه گرفت بانکها برای هموارسازی سود، از اندوخته کردن زیان وام و به حساب هزینه منظور کردن آنها استفاده می‌کنند.

برایشاوا و الدین (Brayshaw and Eldin) در سال ۱۹۸۸ به این نتیجه رسیدند که مدیریت از نوسانات نرخ ارز برای رسیدن